

جایگاه قدرت نرم در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی

حسین عباسی^۱

مهدی صباغی^۲

چکیده

قدرت نرم، توانایی یک بازیگر سیاسی در استفاده از منابع و امکانات، جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بقا و استمرار نظام‌های مردم‌سالار، در مقایسه با نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی، برخوردار است. در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران اجتماعی، «دهکده جهانی» را به عنوان رویکرد جدید جهانی اعلام کردند، با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با اندیشه و الگوی سیاسی نوین، ضربه سنگینی بر استیلای ابرقدرت‌ها وارد کرد. نظام سلطه پس از عدم توفیق در براندازی نظام از طریق نظامی، با رویکرد جنگ نرم وارد میدان مبارزه با انقلاب اسلامی شد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، از بدو تولد در پی کسب، حفظ، استمرار و افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم خود بوده است. چراکه با افزایش قدرت نرم در مواقع عادی، ضمن توانایی جلب و جذب افکار، اذهان و قلوب توده‌ها، می‌تواند به هم‌افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه سخت خود در مواقع بحرانی دست یابد. استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت و مکتب امنیتی قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. این مقاله تلاشی است در جهت شناخت چیستی و چگونگی شکل‌گیری، اهداف و شاخص‌ها و ویژگی‌های قدرت نرم مکتب امنیتی و جنگ نرم. سه مؤلفه اصلی و تفکیک‌ناپذیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مرکب از مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت و اصول استقلال و آزادی هست. حال سؤال این است که نمود مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در چه ویژگی‌هایی از آن نهفته است و آیا نظریه‌پردازان انقلاب به این ویژگی انقلاب توجه داشته‌اند؟ پاسخ به این سؤال، هدف اصلی نگارش این مقاله است. فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤالات مطرح می‌شود، عبارت است از: «مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ایدئولوژی اسلامی آن و تبلیغ حضور معنویت در سیاست نهفته است که در انقلاب ایران توسط امام خمینی^(ره) کشف و به دنیا اعلام شد و با شروع جنبش‌های ملی در اروپا و آمریکا و جنبش‌های اسلامی در کشورهای اسلامی این قدرت توسط مردم این کشورها فهم و تبدیل به موج بیداری اسلامی شد و ظهور آن را در شعارها و اقدامات عملی انقلابیون در این کشورها می‌توان مشاهده کرد». این فرضیه بر پایه چارچوب نظری صدور قدرت نرم در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی موردبررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی

قدرت نرم، قدرت سخت، مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌ها، استقلال و آزادی، انقلاب اسلامی ایران

۱. مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، abbasi.201023@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، noor.1339@gmail.com



قدرت نرم، توانایی یک نظام بازیگر سیاسی در استفاده از منابع و امکانات، جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود است. کشورها برای حفظ موجودیت، امنیت، مکتب امنیتی و رفاه شهروندان خود و نیز مقابله با تهدیدات خارجی ناگزیرند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را جهت افزایش توانمندی و قدرت ملی خود به‌کارگیرند. در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران اجتماعی، «دهکده جهانی» را به‌عنوان رویکرد جدید جهانی اعلام کردند، با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با اندیشه و الگوی سیاسی نوین، ضربه سنگینی بر استیلای ابرقدرت‌ها وارد کرد. آنچه انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است، بعد فرهنگی و جنبه‌های نرم افزارگرایی آن می‌باشد. در زمانی که در انقلاب‌های دیگر هم‌عصر این انقلاب، جهانیان حداکثر نظاره‌گر ابعاد مادی انقلاب‌ها نظیر رهایی از استبداد و کسب آزادی و تأمین معاش و مسکن بودند، وقوع چنین انقلابی با داعیه مذهبی و دینی که قدرت بسیج همگانی را داشته باشد، روی دیگر سکه انقلاب‌ها را نشان داد که یک انقلاب می‌تواند بر پایه قدرت معنوی و غیرمادی دین نیز استوار باشد و به پیروزی برسد. امری که در آن زمان محال می‌نمود و باعث تعجب جهانیان بود که در قرن بیستم، قرن حاکمیت علم و تکنولوژی، قرن دوری دین از صحنه اجتماع و سیاست، به ناگهان در گوشه‌ای از دنیا مردی مصلح دین، هدف از انقلاب خود را انقلاب برای اسلام اعلام کند آن هم در کشوری که شاه آن به دنبال تقلید کامل از غرب و فرهنگ غربی بود و مظاهر تمدن غربی را تمام و کمال تبلیغ و اجرا می‌کرد. این همان حکایت بعد نرم‌افزاری انقلاب است که تا آن زمان از دیده‌ها پنهان مانده بود و با انقلاب اسلامی ایران در مطالعات مربوط به انقلاب‌ها خود را آشکار کرد. از این رو می‌توان گفت که انقلاب ایران، انقلابی بر پایه قدرت نرم بود که توانست بر قدرت سخت رژیم پهلوی تادندان مسلح و دنیای استکبار فائق آید و برتری قدرت نرم ایمان مذهبی را بر قدرت سخت تجهیزات به اثبات رساند. میشل فوکو فیلسوف فرانسوی در تحلیل خود از انقلاب اسلامی ایران بر همین نکته تأکید می‌کند و شاه و قدرت سرکوب آن را مظهر قدرت سخت و خشونت‌آمیز می‌داند و در مقابل قدرت تجمع شده مردم را که بر پایه اسلام ایجاد شده است و اراده عمومی را شکل می‌دهد،





جنبه نرم افزاری قدرت می خواند. «آنچه در ایران مرا شگفت زده کرده است، این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد آنچه به همه این‌ها زیبایی و درعین حال اهمیت می بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد: رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیسش مردم را تهدید می کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می توان بی درنگ یافت، در یک سو کل اراده مردم و در سوی دیگر، مسلسل‌ها قرار دارند» (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۸-۵۶).

به همین جهت است که مشاهده می کنیم بعد از وقوع انقلاب در ایران از اوایل دهه ۱۹۸۰ سمت و سوی نظریه پردازی در خصوص انقلاب‌ها متوجه کانون «فرهنگ» شد و از این زمان به بعد، به جز نظریه پردازان انقلاب که در کتب و مقالات خود به صورت خاص به عنصر فرهنگ و ایدئولوژی توجه کردند، مرکز ثقل کتاب‌های درسی مربوط به انقلاب‌ها در دانشگاه‌ها نیز در رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی که در دو دهه اخیر به رشته تحریر درآمده‌اند، به ادعای نویسندگان آن‌ها بر روی عنصر فرهنگ و ایدئولوژی در انقلاب‌ها معطوف گشت. کتاب‌های درسی جان فورن^۱ تحت عنوان «نظریه پردازی انقلاب‌ها» و جک گلدستون^۲ تحت عنوان «مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها» (گلدستون، ۱۳۸۵) از آن جمله‌اند. به عنوان نمونه، جان فورن در کتاب خود می نویسد: «در تمامی فصول این کتاب، فرهنگ را به مرکز مطالعه انقلاب‌ها فراخوانده و برنامه کار خود را از بررسی‌های ساختارگرایی محض جدا کرده است» (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۲). سؤال اساسی برای این دسته از اندیشمندان این بود که جایگاه فرهنگ و ایدئولوژی در انقلاب‌ها کجاست و چه ارتباطی می توانند با دولت و ساختار اجتماعی داشته باشند؟ اساساً فرهنگ و ایدئولوژی چگونه می توانند سؤال‌های همیشگی انقلاب‌ها، که عموماً در قالب: علل و پیامدهای انقلاب چیست؟ را توضیح دهند. امروزه، گرایش «جامعه‌شناسی فرهنگ» که از ۱۹۸۰ در دانشگاه‌های آمریکا رو به گسترش نهاده است، به این حوزه توجه کرده است (همان، ۱۳۸۴: ۲۷۰). از جمله نظریه پردازان که به طور مشخص انقلاب‌ها را از منظر فرهنگ تحلیل کرده‌اند، فریده فرهی را می توان نام برد. فریده فرهی در تحلیلی که از انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه ارائه می کند معتقد است که

1. John Foran
2. Jack Goldston





نقش عقاید را نمی‌توان در این دو انقلاب نفی کرد. نقش کلیدی اسلام و الهیات آزادی‌بخش در این دو انقلاب بر همه آشکار است. در ایران و نیکاراگوئه، در فرایند عکس‌العمل به نیازهای متغیر اجتماعی، دستورالعمل مذهبی گسترش پیدا کرد و خود را به مرکز کشمکش‌های سیاسی کشاند (فرهی، ۱۳۷۵: ۱۹۱). همچنین، جان فورن با کمک از مفهوم فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و مخالفت، در تحلیل انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه و السالوادور سعی دارد نشان دهد که نیروهای اجتماعی چگونه این فرهنگ‌ها را تفسیر و بازسازی می‌کنند (فورن، ۱۳۸۴: ۲۷۵ - ۲۷۷). از طرفی قدرت دفاع به‌منزله بخشی از طبیعت بشر شناخته می‌شود که در تاریخی به قدمت تاریخ خود بشر، فراز و نشیب‌ها داشته و با رویکردهایی مختلف تقسیم‌شده است. شاید مهم‌ترین تقسیم‌بندی، بر اساس این شاخص قدرت شامل سخت و نرم است. این نوع تقسیم‌بندی ابتدا در مورد تفکیک قدرت به سخت و نرم توسط ژوزف نای انجام شد. او در سال ۱۹۹۰ م در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰ آمریکا، مقاله‌ای در مورد قدرت نرم منتشر کرد، که در دو دهه اخیر نیز توسط برخی از اندیشمندان دیگر توسعه یافت (گازیوروسکی، مارک جی: ۱۳۷۱).

گفتمان‌های مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و امنیت نرم اخیر موجب تحول در مفهوم قدرت، امنیت، مکتب امنیتی و تهدید گردیده است. در گفتمان سنتی، امنیت با نبود عاملی دیگر که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف شده است. این گفتمان دارای پیشینه تاریخی طولانی است. شاخص بارز آن، تأکید بر بعد نظامی در تحلیل امنیت و تهدیدات است. بر این اساس، برای مقابله با تهدید، بر مؤلفه قدرت نظامی تأکید می‌شود و راهبرد آن، افزایش قدرت نظامی می‌باشد. در گفتمان نوین قدرت نرم، مکتب امنیتی، تهدیدات و قدرت چندوجهی و دارای ابعاد مختلف است. به عبارت دیگر امنیت، مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهدید و قدرت پدیده‌ای متأثر از پدیده‌های مختلف مادی و ذهنی و دارای وجوه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. بنابراین تهدیدات، در این رویکرد شامل تهدیدات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... می‌باشد. همچنین قدرت دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... است. بنابراین امنیت بر پایه ملاحظات نرم‌افزارانه در محیط ملی و جهانی می‌باشد و به عبارت دیگر قدرت نرم بنیاد، زیرساخت و جوهر اصلی امنیت مکتب امنیتی یک نظام سیاسی خواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۸). از اندیشمندان، جهانی‌سازی



را مترادف با قدرت نرم استکبارمی‌دانند. براین اساس، این گروه معتقدند جهانی‌شدن یک پروژه طرح‌ریزی‌شده توسط کانون‌های قدرت نرم برای تحمیل یک الگوی رفتاری مشخص، فراگیر و یک‌سویه است که موجب سیطره فرهنگ و ارزش‌های غربی و انفعال سایرین می‌شود. و دارای آثار و پیامدهایی ازجمله فروپاشی دولت ملت، دگرگونی الگوی حکومت و رفتار سیاسی، به خطر افتادن هویت‌های ملی و دینی، تسلط نظام لیبرالیسم و ظهور و گسترش یک فرهنگ جهانی است (نک، نائینی، ۱۳۸۷). در این نگاه می‌توان گفت، فرآیند و مفهوم جهانی‌شدن اگر به‌مثابه روشی برای سلطه و با ماهیت جهانی‌سازی فرهنگ و الگوی رفتاری لیبرالیسم غربی در نظر گرفته شود، بدون تردید منطبق بر ماهیت و چیستی قدرت نرم است و همه ابعاد اجتماعی (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) را در برمی‌گیرد و دامنه قدرت ملی، میزان کارآمدی، مشروعیت و اعتبار دولت‌ها را تقلیل می‌دهد.

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت‌خواهانه خود درصدد برآمد با روش‌های غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد: تأیید ارزش‌های انقلاب توسط جنبش‌های آزادی‌بخش، اشاعه الگوی مردم‌سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ، ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می‌توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد (رنجبران، ۱۳۸۸، ص ۶۴). چند ویژگی مشترک در دهه‌های اخیر در ساختار نظام قدرت مشاهده می‌شود که می‌توان آن‌ها را بدین ترتیب صورت‌بندی کرد:

۱. حق آزادی بیان ۲. لزوم تجدیدنظر در بنیادهای کلاسیک و سنتی روابط بین‌الملل و مطالعات امنیت‌پژوهی ۳. در دوران جدید، فرهنگ تکیه‌گاه اصلی تحولات





سیاسی و بین‌المللی است و محیط سیاسی در نظام بین‌المللی فرهنگی شده و نوعی یگانگی از یک‌سو گوناگونی از سوی دیگر به همراه آورده است؛

۴. در جهان امروز بازیگرانی ظهور یافته‌اند که هویت فرهنگی دارند و اساساً نظام بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند که مدیریت آن با ساختارهای پیشین به‌طور کامل متفاوت است؛

۵. نرم‌افزارگرایی و به‌عبارت‌دیگر فرهنگ‌گرایی شاخصه اندیشه‌های نوین است و نقش اساسی در تحولات اجتماعی دارد؛

۶. قدرت نرم در نگرش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری جهان حال و آینده دارد؛ ۷. در بررسی رویکردها و نظریه‌ها، وارد شدن به یک دوران جدید، موضوع مسئله‌ای مشترک و فراگیر است. هرچند خصوصیات دوران جدید با اختلاف‌نظرهای متفاوت تبیین شده است، لیکن شبکه‌ای شدن ارتباطات و جهانی‌شدن اطلاعات پیش از هر چیز با آنچه تحت عنوان جهانی‌سازی فرهنگ یا استعمار فرا نوین توضیح داده شد، مطابقت بیشتری با مفهوم جنگ نرم و ابعاد مختلف آن دارد.

استفاده از قدرت نرم به‌منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. قدرت نرم از آنجاکه به‌صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند از اثرگذاری بیشتر و مداوم‌تری برخوردار است، چراکه می‌تواند با تفسیر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات بنیادین و راهبردی یاری رساند. قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی تهییج ملت‌ها بوده است چراکه علاوه بر آن دربردارنده مفهوم توانایی جذب افراد نیز می‌باشد که عموماً به موافقت و رضایت منجر می‌گردد. به بیان دیگر، در روابط مبتنی بر اخلاق، قدرت نرم از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که می‌تواند رفتار مردم را با جذابیتی قابل‌رویت اما غیرمحسوس تعیین کند و تغییر دهد. بهره‌گیری انقلاب اسلامی از جذابیت پیام برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌های اسلامی، استقلالی و ضد استکباری، ترغیب مسلمانان و ملت‌های جهان به همکاری و



تشریک مساعی برای دستیابی به هدف مشترک و تبیین فرهنگ و ارزش‌های انقلابی و الگوی توسعه بومی و درون‌زا حکایت از جذابیت اندیشه انقلاب اسلامی در صحنه بین‌المللی داشت به گونه‌ای که توانست بدون مجبور کردن مردم به تغییر رفتار از طریق تهدید و یا پرداخت هزینه، آنان را برای کسب نتیجه دلخواه و مطلوب جلب و جذب نماید. تاریخ انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون گواهی می‌دهد که دولت‌های استکباری غربی تمامی اشکال براندازی سخت از جمله شورش، کودتا و جنگ نظامی را در دهه اول انقلاب تجربه کردند. در جریان براندازی و مقابله سخت، گرچه انرژی و سرمایه‌های انسانی، مادی و معنوی بسیاری از دست رفت، لیکن ایستادگی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ملت ایران تحت زعامت حضرت امام خمینی (ره) علیه قدرت‌های استکبار، دشمنان را به این نتیجه رساند که استفاده از گزینه سخت و نظامی نمی‌تواند در برابر قدرت نرم مردم که همانا ایمان و اعتقاد این ملت است، کارآمد باشد، بلکه برعکس اسباب مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران وحدت و همبستگی ملی هر چه بیشتر ملت ایران را فراهم می‌آورد. و بر بدبینی و کینه بیشتر مردم ایران نسبت به دولت‌های استکباری غربی می‌افزاید. چنین شد که این قدرت‌ها به ناچار بر شکست خود در راهبرد مقابله سخت با نظام جمهوری اسلامی اعتراف کردند. پس‌از آن، آنان با رویکرد جدید و در قالب بهره‌گیری از روش‌های نرم اهداف خود را پیگیری کردند. امری که رهبری معظم انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از همان آغاز دهه دوم انقلاب با ادبیات و تعابیر مختلف نظیر تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و شبیخون فرهنگی و اخیراً جنگ نرم خطر آن را گوشزد فرمودند و مسئولین نظام را به چاره‌اندیشی در برابر آن فراخواندند. به‌طور مثال «در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده، تا با ما بجنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست، بسیج عمومی هم در آنجا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه‌ای است که تا به خود بیاییم گرفتار شده‌ایم.» (مقام معظم رهبری، ۷ آذر ۱۳۶۸)

با این مقدمه، این مقاله تلاشی است در جهت شناخت چیستی و چگونگی شکل‌گیری، اهداف، شاخص‌ها و ویژگی‌های مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و جنگ نرم، شناخت بیشتر قدرت نرم می‌تواند به مفهوم‌سازی این پدیده کمک کند و این مقوله می‌تواند برای مدیریت امنیت و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خصوص



تهدیدات نرم استفاده شود، نوع قدرت نرم مورد استفاده در جمهوری اسلامی در مقایسه با نظام‌های غربی و نوع قدرت نرم رشد محور به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون اجبار و فریب و عمدتاً بر پایه ارشاد شود. سه مؤلفه اصلی تفکیک‌ناپذیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مرکب از: الف) نظریه مردم‌سالاری دینی ب) فرهنگ شهادت و عدالت ج) اصول استقلال و آزادی می‌باشد و برگرفته از مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و به‌ویژه فرهنگ متعالی شیعه است، و می‌توان گفت این عنصر، توانسته در مقایسه با نظام‌های سیاسی موجود افکار و اذهان مردم ایران و کشورهای منطقه را به خود جلب و جذب کند و به‌طور قطع افزایش آگاهی محافل و مراکز راهبردی و نخبگان کشور منجر به افزایش هماهنگی، وحدت، انسجام و هم‌افزایی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ نرم خواهد شد و از طرفی نمود مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در چه ویژگی‌هایی از آن نهفته است و آیا نظریه‌پردازان انقلاب به این ویژگی انقلاب توجه داشته‌اند پاسخ به این سؤال، هدف اصلی نگارش این مقاله است. فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤالات مطرح می‌شود، عبارت است از: «مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ایدئولوژی اسلامی آن و تبلیغ حضور معنویت در سیاست نهفته است که در انقلاب ایران توسط امام خمینی (ره) کشف و به دنیا اعلام شد و با شروع جنبش‌های ملی در اروپا و آمریکا و جنبش‌های اسلامی در کشورهای اسلامی این قدرت توسط مردم این کشورها فهم و تبدیل به موج بیداری اسلامی شد و ظهور آن را در شعارها و اقدامات عملی انقلابیون در این کشورها می‌توان مشاهده کرد». این فرضیه بر پایه چارچوب نظری صدور قدرت نرم در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تعریف قدرت و جنگ نرم

در پاسخ به چستی قدرت نرم، اندیشمندان پاسخ‌های متفاوتی عرضه کرده‌اند. قدرت نرم بنیاد، زیرساخت و جوهر اصلی امنیت مکتب امنیتی یک نظام سیاسی خواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۸). از نظر از «ژوزف نای» نظریه‌پرداز قدرت نرم، کشوری که واجد این سه نوع جذابیت «فرهنگ»، «ایده سیاسی» و «سیاست خارجی» باشد، می‌تواند بر فرهنگ، سیاست‌ها و الگوهای اجتماعی و سیاسی کشورهای دیگر تأثیر بگذارد و اراده خود را به‌صورت غیرمستقیم بر آن‌ها تحمیل کند بنابراین جهانی شدن فرآیندی برنامه‌ریزی‌شده، تحمیلی و طرحی است برای بازسازی اجتماعی



جوامع در سطح کلان. سیستمی که ایدئولوژی نئولیبرالیستی سرمایه‌داری غربی را تبلیغ و تحمیل می‌کند و درصدد است الگوی زندگی غربی (به‌ویژه آمریکایی) را ترویج کند. قدرت نرم در نگرش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری جهان حال و آینده دارد و از طرفی جنگ نرم در تقابل جنگ سخت تعریف می‌شود. و در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی است که جامعه و گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و اعمال خشونت‌آمیز، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. جنگ نرم در پی از پا درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی پدید آورد (ماه پیشانیان، ۱۳۸۷).

تعریف مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

مکتب موقعیت محور امنیتی (مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران)، مکتب اصالت موقعیت یا وضعیت است که برخلاف دیگر مکاتب، درون‌گراست. صدف نرم‌تنی است که واجد دو کفه محافظتی بوده و بر سطح کف آب‌های شور زندگی می‌کند، هنگامی که ذرات شن، ماسه و یا هر جسم خارجی سختی وارد کفه‌های محافظ این موجود شود، نرم‌تن شروع به ترشح کربنات کلسیم به‌صورت کریستال می‌کند تا این تهدید را از میان بردارد، لایه‌های این ماده در اطراف جسم خارجی یکی از گران‌بهاترین جواهرات یعنی مروارید را پدید می‌آورد. این گوهر، که از جوهر صدف به وجود آمده است، ارزش صدف را هزاران برابر می‌کند. در مکتب موقعیت محور، امنیت از طریق تبیین تهدید، و مصادره و هضم آن در اصالت سبب رقم می‌خورد. این مکتب، مدل امنیتی انحصاری ایران و اسلام است^۱. در این جنگ کنونی اسرائیل با مردم غزه جمهوری اسلامی ایران با حمایت از مردم فلسطین که اتفاقاً سنی مذهب‌اند توانست قاطبه این مردم را با تفکر مقاومت در برابر طاغوت و مفهوم نصرت الهی آشنا سازد و به‌نوعی عمق استراتژیک ایران را در کیلومترها دورتر از مرزهای کنونی تعریف نماید. از این‌رو نیز به این جنگ Proxy War یا جنگ نیابتی گفته می‌شود به این معنا که اسرائیل اگر بتواند مردم فلسطین و غزه را شکست بدهد می‌تواند به موضوع حمله به کشور ایران نیز درآینده بیندیشد (خسروی، ۱۳۹۱: ۲۷۳).





نظر امام خمینی (ره) در خصوص مکتب امنیتی اسلام

برای نمونه، درباره مرجع امنیت، شایسته است اشاره‌ای به فرمایشات امام خمینی (ره) داشته باشیم. ایشان ضمن اینکه «اسلام» را «امانت» در دست «ملت» دانسته‌اند، چنین تأکید کرده‌اند: شما توجه داشته باشید، چه پاسداران و چه سایر قوای انتظامی و نظامی و غیر انتظامی و چه سایر ملت، همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم این اسلامی که الآن به ما رسیده، حفظش کنیم تا آن فرد آخری هم که - خدای نخواست - کشته می‌شود، موظف برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلف‌اند که دفاع کنند. مسئله دفاع یک امر عمومی است؛ هر کس قدرت دارد، به هر مقدار که قدرت دارد، از کشور اسلام، باید دفاع کند. اسلام و احکام اسلام آن قدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام، از صدر اسلام به بعد، بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند برای اسلام. اسلام امانتی است که از جانب خدای تبارک و تعالی، به ما سپرده شده است، همه ما برای حفظش موظفیم و نباید بترسیم از اینکه چند نفر کشته شدند، چند نفر را با بمب کشتند، ابداً این حرف‌ها نیست. اسلام نه وابسته به من است و نه وابسته به تو. اسلام از خداست و همه ما مکلف برای حفظ او هستیم و با قدرت و قوت حفظ می‌کنیم او را (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲۱). ایشان در جای دیگر فرموده‌اند: حفظ اسلام، دیگر ننوشته تو پیشانی ارتش که باید او حفظ کند. اسلام را همه باید حفظ بکنیم، بر همه ما حفظ اسلام واجب است (امام خمینی، ص ۲۲۱). حضرت امام در فرمایش دیگری، سلسله مراتب موضوعات امنیتی را تعیین فرموده‌اند که در این میان «اسلام» بالاترین جایگاه را دارد: وقتی که اسلام در خطر است، همه شما موظفید که با جاسوسی حفظ بکنید اسلام را. وقتی که حفظ دماء مسلمین بر همه واجب باشد، اگر - فرض کنید که - حفظ جان یک نفر مسلمانی، حفظ جان او وابسته (به) این است که شما شرب خمر کنید، واجب است بر شما، دروغ بگویید، واجب است بر شما. احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است، اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، مهمان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. بر همه ما واجب



است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچو غائله‌ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. ما الآن یک امانتی در دستان است و آن اسلام است. عذر نداریم به اینکه ما بنشینیم کنار، بگوییم دیگران بروند حفظش کنند. امانت مال دیگران نیست. این امانت، امانتی است که خدا پیش (ما نهاده) برای همه ما هست، نگهدارش همه ما هستیم (همان، ص ۲۲۱). در سنت مطالعات فقهی امنیت، معمولاً حفظ دین بالاتر از حفظ جان، حفظ جان بالاتر از حفظ خرد، حفظ خرد بالاتر از حفظ نسل و حفظ نسل بالاتر از حفظ مال شمرده می‌شود. روشن است که مرجع تشخیص و تعیین اولویت‌ها، دولت اسلامی است که در رأس آن حاکم و اجد شرایط قرار دارد (همان، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

الگوی امام خمینی (ره) در خصوص مکتب امنیتی اسلام

الگوی امام از جهات مختلف با الگوهای قبلی متفاوت است. این تمایزات را در چهار محور اشاره می‌کنیم: ۱. محور رهبری؛ ۲. محور نظام سیاسی؛ ۳. محور اهداف و کارویژه‌های حکومت؛ ۴. محور مردم. به نظر امام خمینی (ره) مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. قانون برای آنکه مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری نیاز دارد. از این رو خداوند متعالی در کنار فرستادن مجموعه‌ای از قوانین (احکام شرع)، حکومت و دستگاه اجرا نیز مستقر کرده و رسول اکرم (ص) را در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرارداده است. پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت می‌گماشت تا دولت اسلام را به وجود آورد. برای نمونه در آن زمان، تنها به بیان قانون جزا اکتفا نمی‌کرد، بلکه به اجرای آن می‌پرداخت. پس از رسول اکرم (ص) جانشین ایشان نیز همین وظیفه و مقام را به عهده داشت. تعیین جانشین از سوی رسول گرامی اسلام (ص) تنها برای بیان عقاید و احکام نبود؛ بلکه اجرای احکام و تنفیذ قوانین را نیز دربر می‌گرفت. وظیفه اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام، بر اهمیت تعیین جانشین می‌افزود تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) رسالت خویش را بدون آن به اتمام نمی‌رسانید؛ زیرا مسلمانان (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۴۹).





خطبه ۲۷ نهج البلاغه امیرمؤمنان علی (ع) در خصوص مکتب امنیتی اسلام

۱- أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةٍ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَجَنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الدَّلِّ وَ شِمْلَةَ الْبَلَاءِ وَ ذِيْتَ الْبَلْعَارِ وَالْقَمَاءِ وَ ضَرْبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيَمِ الْحَسَفِ وَ مُنِعَ النَّصْفَ (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷: ۷۴).

اما بعد، بی تردید جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند به روی ویژگان از دوستانش برگشوده است. آری، جهاد لباس برازنده پاکدامنی و پرهیزکاری، و زره امان بخش الهی، و سپر محکم اوست. آن کس که از جهاد بگریزد خداوند تن پوش ذلت بر او پوشاند، و در طوفان فتنه و بلا سقوط کند، و در زیر چکمه فلاکت خرد و زبون شود، و عقل خود را از دست دهد، و به کیفر فرار از جبهه، حق از او روی گرداند، و سختی و مشقت بر او فرود آید، و عدالت از او روی برتابد.

۲- أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ إِعْلَانًا وَ قُلْتُ لَكُمْ اغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُمْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَذَلْتُمْ حَتَّى شَنَنْتَ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتِ وَ مَلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانَ (شیروانی، خطبه ۲۷: ۲۷؛ فراز ۲).

آگاه باشید که من شب و روز، و آشکار و نهان شمارا به نبرد با اینان فراخواندم و گفتم پیش از آنکه به جنگتان آیند به جنگشان روید. به خدا سوگند، مردمی که در خانه‌هایشان نشینند تا دشمن به سراغشان آید، قطعاً ذلیل و خوار شوند. شما آن قدر امروز و فردا کردید و به این‌وآن پاس دادید تا سیل غارتگران، شمارا درنوردید و شهرتان سقوط کرد. هَذَا أَخُو غَامِدٍ قَدْ وَرَدَتْ خِيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَ قَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ وَ أزالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَاحِلِهَا وَ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةِ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَائِدَهَا وَ رِعَائَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْإِسْتِرْجَاعِ وَ الْإِسْتِرْحَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمَ وَ لَا أَرِيقَ لَهُ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مُلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا (دشتی، خطبه ۲۷: ۲۷؛ فراز ۲).

اینک لشکر معاویه به سرکردگی مرد «غامدی» به «شهر انبار» درآمده و «حسان بن حسان» فرماندار مرا کشته و سپاهیان شمارا از مرزها گریزانده است. به من خبر رسیده که بعضی از لشکریان دشمن بر زنان مسلمان و دیگر زنانی که در پناه دولت اسلامند،



هجوم برده و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره آنان را به یغما برده‌اند، و هیچ مردی یاور و مدافع آن‌ها نبوده جز ناله و التماس آنان به دشمن. آنگاه غارتگران باد به غبغب افکنده و بی‌آنکه کشته و مجروحی بر جای گذارند، بازگشته‌اند. اگر مرد مسلمانی پس‌از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه‌تنها نباید ملامتش کرد بلکه مرگ را سزاوارتر است.

۴- فَيَا عَجَبًا عَجَبًا وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقُلُوبَ وَ يَجْلِبُ إِلَيْهِمْ اجْتِمَاعُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقُكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ فَقُبْحًا لَكُمْ وَ تَرَحُّاً حِينَ صِرْتُمْ غَرَضًا يُرْمَى يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تَعُزُّونَ وَ لَا تَعُزُّونَ وَ يُعَصِّى اللَّهُ وَ تَرْضُونَ فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ هَذِهِ حِمَارَةُ الْقَيْظِ أُمَهِّلْنَا يُسَبِّحُ غَنَا الْحَرِّ وَ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشَّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَارَةُ الْقَرِّ أُمَهِّلْنَا يَنْسَلِخُ غَنَا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَ الْقَرِّ (فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَ الْقَرِّ تَفِرُّونَ) فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ مِنَ السَّيْفِ أَفَرُّ (دشتی، خطبه ۲۷: ۷۴ و ۷۵: ۷۵-۸۱۲).

ای شگفتا، به خدا سوگند، که همدست بودن این قوم با یکدیگر با آنکه بر باطل‌اند و جدایی شما از یکدیگر با آنکه بر حقیق دل را می‌میراند و اندوه را بر آدمی چیره می‌سازد. وقتی می‌نگرم که شمارا آماج تاخت‌وتاز خود قرار می‌دهند و از جای نمی‌جنبید، بر شما می‌تازند و شما برای پیکار دست فرا نمی‌کنید، می‌گویم، که ای قباح و ذلت نصیبتان باد! خدا را معصیت می‌کنند و شما بدان خشنودید. چون در گرمای تابستان به کارزارتان فراخوانم، می‌گویید که در این گرمای سخت چه جای نبرد است، مهلتمان ده تا گرما فروکش کند و چون در سرمای زمستان به کارزارتان فراخوانم، می‌گویید که در این سورت سرما، چه جای نبرد است مهلتمان ده تا سورت سرما بشکند. این همه که از سرما و گرما می‌گریزید به خدا قسم از شمشیر گریزان‌ترید.

۵- يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عَقُولُ رِبَاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرْكُمُ وَ لَمْ أَغْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَرَّتْ نَدْمًا وَ أَغْقَبَتْ سَدَمًا قَاتَلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا وَ شَحْنَتُمْ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَعْتُمُونِي نُعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَ الْخِذْلَانِ حَتَّى قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ لِلَّهِ أَبُوهُمْ وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَهَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السَّيِّئِينَ وَ لَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ (همان، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷: ۷۵).





ای به صورت مردان عاری از مردانگی، با عقل کودکان و خرد زنان به حجله آرمیده، کاش نه شمارا دیده بودم و نه می شناختمتان. این آشنایی برای من، به خدا سوگند، جز پشیمانی و اندوه هیچ ثمره‌ای نداشت. مرگ بر شما باد، که دلم را مالا مال خون گردانیدید و سینه‌ام را از خشم آکنده ساختید و جام زندگی‌ام را از شرنگ غم لبریز کردید و با نافرمانی‌های خود اندیشه‌ام را تباه ساختید. تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابوطالب مردی دلیر است ولی از آیین لشکرکشی و فنون نبرد آگاه نیست خدا پدرشان را بیامرزد! آیا در میان رزم‌آوران، رزم دیده‌تر از من هم هست.

مهم‌ترین مؤلفه‌های مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)

هرچند منظومه فکری امام خمینی (ره) مبتنی بر ابعاد نظری با خاستگاه آموزه‌های دینی است، لیکن برخی از عناصر محوری این منظومه در مراحل سه‌گانه تخریب، تأسیس و استمرار انقلاب اسلامی در تولید قدرت نرم نقش محوری و بنیادین داشته‌اند. خودساختگی امام، آگاهی به زمان، تدبیر، شجاعت کم‌نظیر، اتکال به خدا، اعتماد به نفس و اعتقاد به مردم، عنصر تکلیف‌گرایی و... ابعادی از این منظومه بوده‌اند که بسترساز قدرت نرم در انقلاب اسلامی شدند. ویژگی‌های برجسته شخصیتی امام خمینی (ره) که خود پدیدآورنده جاذبیتی بالا در بین توده‌ها و حتی نخبگان فکری و علمی بوده است بسترساز آن شد که بسیاری از نویسندگان غربی و حتی آمریکایی از او با تقدیر و احترام یاد کنند. در زیباترین تعبیر یرواند آبراهامیان: امام خمینی (ره) را مظهر سجایای امام علی (ع) (شجاعت، درستکاری و هوشمندی سیاسی) تعریف نموده است (آبراهامیان، ۱۳۷۷). هرچند ویژگی‌های شخصیتی امام عامل جذب طیف‌های فکری مختلف از مسلمانان و غیرمسلمانان در ایران و جهان شد، لیکن ایشان با بهره‌گیری از عناصر فکری خاص خود قدرتی پایدار، فرهنگی و عزت‌بخش و در یک کلام قدرت نرمی تولید کردند که هنوز پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، آثار و نموده‌های بالنده و پویانده آن در سطح ملی، منطقه‌ای و جهان مشاهده می‌شود. منظومه فکری امام خمینی (ره) دربردارنده عناصری متعدد است که آثار وضعی آن تولید قدرت نرمی است که به مراتب از قدرت سخت یا قدرت نرم سلطه‌گران جهانی بیشتر است و به‌راستی اگر درست هدایت شود بسترساز توسعه و تمدن اسلامی و چشم‌انداز روشنی برای جهان اسلام خواهد بود.



اعتقاد امام به تحصیل و کسب قدرت

هرچند قدرت طلبی و استفاده ابزاری از قدرت در اسلام و آموزه‌های دینی امری مذموم شناخته شده است و در سیره عملی امام خمینی (ره) به جز روح تکلیف‌گرایی نقطه‌ای از جاه طلبی و قدرت طلبی دیده نمی‌شد، لیکن نکته جالب آن است که امام در جمله‌ای زیبا کسب قدرت و هدف ارزشمند تحصیل قدرت به مفهوم خاص آن را به صراحت برای جهانیان اعلام داشته است:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیاء هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد (صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۳۸).

عنصر بیدارسازی و آگاهی بخشی

عنصر بیدارسازی و آگاهی بخشی که یکی از مهم‌ترین عناصر رسالت انبیاء الهی و معصومین (ع) باهدف تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها بوده و در سیره عملی امام خمینی (ره) همواره وجود داشت، تمام هم خود را مصروف آگاهی بخشی، الهام و حرکت ملت‌ها نمودند: «ما باید از این به بعد این هوشیاری که ملت‌مان پیدا کرده است، جدیت کنیم که ادامه پیدا کند. ما صدمه این غفلت را سیصد سال است که داریم می‌خوریم (صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۵). ایشان بی تفاوتی ملت‌ها را نتیجه غفلت آن‌ها و غفلت تحمیل شده از سوی قدرت‌های سلطه‌گر و عوامل داخلی آن‌ها برشمرده، آسیب کشور را مرتبط با





همین عنصر غفلت ذکر می‌کنند: «یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد راجع به آسیب‌ها» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۶). یا درجایی دیگر می‌فرمایند: مسلمانان باید خودشان را پیدا کنند یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند... آن‌ها [سلطه‌گران جهانی] یک همچون فرهنگی را برای ما درست کردند که ما از خودمان بی‌خود شویم و آن‌ها تمام چیزهایی که ما داریم و حیثیتی که ما داریم ببرند (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۲۰). نکته دیگر آنکه امام (ره) شرط بیداری را اولین گام در خروج از رقیت و سلطه ابرقدرت‌ها و تعیین سرنوشت ملت‌ها دانسته‌اند. درواقع عنصر بیداری به‌عنوان کانون الهام و حرکت، قدرتی را در سطح منطقه و جهان خلق نمود که نظم تحمیلی و سلطه‌گرانه و حتی هژمونی آن‌ها را به چالش کشید. و از طرفی دیگر می‌فرماید: ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اراده خودش را خودش بکند لازم است که اول بیدار شود. در سیر الی... هم اهل معرفت گفته‌اند که نقطه «بیداری» منزل اول است. در طول تاریخ در این سده‌های آخر کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجه به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱). درواقع جوشش و خروش حرکت مردمی علیه ناهنجاری‌های موجود ریشه در بیداری و آگاهی آنان از مسائلی داشت که توسط امام خمینی (ره) به‌طور رسمی دست کم بیش از یک دهه و نیم تبیین شده بود. یرواند آبراهامیان انتقادات امام از رژیم حاکم را حول محوری‌هایی ذکر نموده که عامل نارضایتی همه جناح‌های مخالف رژیم بوده است و ناگفته نباشد که فراتر از این موارد امام، روشنگری‌ها و آگاهی‌بخشی‌ها در طول حیات ایشان نسبت به سلطه قدرت‌های شیطانی و صهیونیسم بین‌الملل نیز گسترش یافت. اصطلاح «شیطان بزرگ»، «ام‌الفساد قرن ۲۰» و ده‌ها عنوان دیگر بر امپریالیسم و صهیونیسم جهانی ضمن آنکه چهره قدرت‌های شیطانی را در نزد ملت ایران، ملت‌های مسلمان و جهان سوم مخدوش می‌کرد و هژمونی و مشروعیت آن‌ها را با بحران مواجه می‌ساخت، خود به بازتولید قدرت در بین مظلومان و محرومان عالم اعم از مسلمان و غیرمسلمان کمک شایانی می‌نمود.

بهره‌گیری از اسلام و آموزه‌های دینی

مهم‌ترین کانون تولید قدرت نرم در مکتب جمهوری اسلامی ایران - که نمود آن را در بسیج یکپارچه سیاسی توده‌ها و طبقات اجتماعی مختلف می‌توان مشاهده نمود - دین و آموزه‌های دینی بود که با ابتکارات خاص و خلاقیت‌های برجسته امام به‌عنوان موتور محرک انقلاب به کار گرفته شد. البته روح حاکم بر اندیشه‌ها و دستورات اسلام، روح جمعی است که در بطن خود تضمین‌کننده و دربردارنده وحدت و یکپارچگی مسلمانان است. هرچند به لحاظ نظری تأکیدات زیادی بر وحدت و اعتقاد به حبل‌... (و اعتصموا بحبل‌... جمیعاً و لا تفرقوا) به‌عنوان یک عنصر عزت‌بخش وجود دارد، لیکن متأثر از حاکمیت اندیشه‌های غرب‌گرایانه، سکولاریستی و مادی بیگانه و عوامل استبدادی وابسته به آن روح جمعی، تعاون و اتحاد اسلامی مسلمانان چه در سطح بومی و ملی و چه در سطح فراملی از بین رفته بود. درواقع رویکرد ترویج و تعمیق عالمانه و عامدانه اندیشه‌های مادی و سکولاریستی با عاملیت غرب و عوامل وابسته داخلی آن ریشه‌کن‌سازی باورها و ارزش‌های مسلط کشورهای یادشده را هدف قرار داده بود. حاکمیت روح تفرد و فردگرایی منفی و به تعبیر آبراهامیان عدم سازش دو ایرانی با یکدیگر ولو برای گرفتن پول از نفر سوم در ایران حاکی از حاکمیت روح تفرقه و مخدوش بودن روح جمع‌گرایانه و متمایز بودن جامعه ایران تا اواخر دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ بود. کشورهای اسلامی و جهان سوم نیز تا اواخر قرن بیستم و برخی تا به امروز چندان وضعیتی بهتر از ایران آن دوران نداشته و ندارند (زرشناس، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

در پرتو آموزه‌های وحدت‌بخش اسلامی و رهبری هدایتگرانه امام خمینی(ره) بود که روح تفرد و فردگرایی منفی حاکم بر ایران جای خود را به بسیج سیاسی یکپارچه و روح جمعی داد. درواقع روح جمعی برخاسته از اندیشه‌های اسلامی انقلاب غیرقابل قیاس با سایر انقلاب‌ها حتی انقلاب‌های بزرگ دنیا بود. به تعبیر بسیاری از نویسندگان غربی، در انقلاب‌های بزرگی چون انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹، انقلاب اکتبر شوروی ۱۹۱۷، انقلاب فرهنگی چین ۱۹۴۹ و... تنها قیام یک طبقه علیه طبقه حاکم مطرح بود، لیکن در انقلاب اسلامی به لحاظ فراگیری و گستردگی اندیشه‌های اسلامی بحث فرا طبقاتی و قیام همه طبقات علیه رژیم پهلوی مطرح شد. این امر یکی از شگفتی‌های انقلاب اسلامی بوده





است. به همین لحاظ انقلاب اسلامی را یک انقلاب پوپولیستی یا فرا طبقاتی نامیده‌اند. میشل فوکو که با دو بار سفر به ایران شاهد وقوع انقلاب اسلامی ایران بود سخن از مشاهده روح جمعی، تنها در انقلاب اسلامی ایران داشت. اراده جمعی تاکنون به چشم دیده نشده است و من شخصاً فکر می‌کردم که اراده جمعی مانند خدا هرگز به چشم دیده نمی‌شود. نمی‌دانم شما با ما هم عقیده‌اید یا خیر. ما در تهران و در تمام ایران اراده جمعی ملتی را دیدیم. این درخور تجلیل است، چیزی نیست که هرروز دیده شود... این اراده جمعی که در نظریه‌های ما همیشه کلی است؛ در ایران مطلقاً روشن و معین و ثابت ماند و به این ترتیب دخولی ناگهانی در تاریخ کرده است. نکته مهم دیگر آنکه امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از اسطوره جهاد و شهادت، حضرت امیر(ع) و سیدالشهدا(ع) و مقایسه زندگانی سیره عملی آنان با وضعیت موجود حاکم بر ایران از یک‌سو از سوی دیگر مقایسه رژیم پهلوی با رژیم یزید و مطرح کردن «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا» باعث جوشش، حرکت و قیام یکپارچه ملت مسلمان علیه حکومت ستم‌شاهی پهلوی شد. امام در پیامی به مناسبت هفتمین روز کشتار هفده شهریور خطاب به ملت ایران تصریح نمودند: «قیام شما در مقابل دیکتاتور اصلی که تمام شعائر ملی و مذهبی را زیر پا گذاشته چون [قیام] امیرالمؤمنین در مقابل معاویه می‌باشد که عملی بیش از اعمال آن دیکتاتور مرتکب نشده بود» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۸) و در پیامی به مناسبت کشتار محرم سال ۱۳۵۶ به ملت ایران فرمودند: «نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب پیروی از نهضت مقدس حسین(ع). [بود]» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۴۹). نکته دیگر آنکه هرچند که روح مسئولیت‌پذیری، ایثار، جهاد و شهادتی را که امام با بهره‌گیری از قیام عاشورای حسینی در ملت ایران زنده نمود، منحصر به دوران اولیه انقلاب اسلامی نبود بلکه طی سه دهه گذشته به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی همواره مقابل سلطه‌گران جهانی نمود و ظهور می‌یافت. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با همه حمایت‌های شرق و غرب و ارتجاع منطقه از رژیم بعث عراق تنها جنگ در یک‌صد سال اخیر بود که ایران با بهره‌گیری از روح جهاد و شهادت از آن سربلند و پیروز بیرون آمد و توانست رژیم بعث عراق را از خاک میهن اسلامی بیرون رانده و ماشین جنگی عراق را با همه حمایت‌های نظامی و سیاسی غرب و شرق در هم بشکند. آبراهامیان بر این باور است که: مذهب،



احساس همبستگی گروهی و اجتماعی مورد نیاز جمعی مناطق فقیرنشین و حلبی‌آبادها را فراهم کرد؛ همان احساسی که آن‌ها پس از ترک روستاهای کاملاً همبسته و منسجم خود وارد شدن به فضای بی‌هنجاری حلبی‌آبادهای جدید بی‌دروپیکر از دست داده بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۶۶۰)

سیره عملی امام خمینی (ره) دقیقاً در مراحل پیش و پس از انقلاب اسلامی و تخریب نظام شاهنشاهی، نیز تأسیس و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران آن بود که همواره دین، خدامحوری و اسلام‌گرایی در مرکز توجه و تصمیمات ایشان قرار داشت. ایشان بارها تأکید کردند که ما باید خود را فدای اسلام و حفظ آن کنیم، شاه‌کلیدهای استمرار و تداوم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را امام پیوسته در دو مفهوم به شدت به هم وابسته «وحدت کلمه» و «اتکاء به اسلام» می‌دانستند و همواره تأکید داشتند تا زمانی که «وحدت کلمه» و «اتکاء به خدا» داشته باشید هیچ آسیبی به کشور شما وارد نمی‌شود. اینجاست که می‌توانیم نقش برجسته دین و ارزش‌های دینی را در همبستگی اجتماعی وحدت کلمه به تعبیر امام (ره) و قدرت نرم و جوشش برخاسته از دین را در مقابل همه تهدیدات سخت‌افزاری خارجی و یا داخلی لمس نماییم.

تزریق روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در ملت‌ها

امام خمینی (ره) با درک اقدامات و سیاست‌های استعماری و استبدادی از یک‌سو آشنایی عمیق با آموزه‌های دینی، عنصر هویت‌ساز خودباوری را در ملت ایران و ملت‌های مسلمان و جهان سوم زنده نمود. در اینجا فقط برای نمونه جملاتی را از ایشان ذکر می‌نماییم: «عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من مکرراً عرض کردم: یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند و راه‌ها را برای شما باز می‌کند. در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان، شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید کارها را انجام بدهید. به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان را داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه «می‌توانیم». در رژیم سابق نمی‌توانیم را شایع کردند و مجدداً تأکید می‌کنم که لازم است با این دو خصیصه اتکال به خدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس به پیش بروید و بعد از مدتی خواهید دید که راه‌های





سعادت بر شما باز می‌شود» (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۰).

احیاء روحیه جهاد و شهادت

دو عنصر جهاد و شهادت از جمله عناصری‌اند که تنها در منظومه فکری و هویت‌ساز مسلمانان یافت می‌شوند، عناصری که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی هویت‌ساز است و بستر ساز اعتماد به نفس و خودباوری مسلمانان و ترس و زبونی دشمنان اسلام می‌باشد. این دو عنصر تنها در پیروزی انقلاب اسلامی مؤثر نبوده بلکه به همان نسبت و بیشتر در حفظ و تداوم مکتب جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرین بوده است (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۹-۱۰).

اعتقاد به مردم و ایجاد وحدت کلمه

باورداشت و اعتقاد راسخ قلبی امام خمینی (ره) به مردم یکی از عناصر اصلی و رموز پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی بوده است. این رابطه و پیوند دوجانبه قلبی و عاطفی همواره بین امام و امت برقرار بوده است. حتی سال‌های طولانی تبعید امام نتوانست در این پیوند و ارتباط دوجانبه و عاطفی وقفه‌ای ایجاد نماید. امام ضمن مقایسه تاریخی مردم ایران با مردم زمان رسول... (ص) به صراحت، این ملت را بهتر و برتر از ملت زمان پیامبر دانسته و فرموده‌اند که: «من به جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول... (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات... و سلامه علیهما می‌باشند» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۱). امام در خطاب به مسئولان و دولتمردان چنین فرمودند: «امروز مردم از وضع دولت مطلع‌اند و شما، مردم را برای پشتیبانی از خود لازم دارید. دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کار بکند و هر یک از ادارات وزارتخانه‌ها باید این مسئله را مدنظر داشته باشند که برای خدا مردم را راضی نگه‌دارند» (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۹۳).

نگرش امام نسبت به ملت‌ها اعم از ملت‌های مسلمان، محروم و مستضعف، نگرش راهبردی توأم با کرامت انسانی است. امام بر این باورند که اگر ملت‌ها بیدار شوند و حرکت کنند سرنوشت خود را به‌طور مستقل تعیین خواهند نمود. امروزه بیداری ملت‌های منطقه و جهان، چنان قدرتی را رقم زده که قدرت‌های سلطه‌گر جهانی به‌ویژه امریکا و صهیونیسم





را مات و مبهوت ساخته است و گام به گام در مقابل مقاومت و ایستادگی ملت‌ها در حال عقب‌نشینی هستند و این است همان قدرت نرمی که خاستگاه آن بیداری ملت‌ها و آموزه‌های دینی‌ای که امام و انقلاب اسلامی بر آن تأکید داشتند

ضرورت و اهمیت جنگ نرم از دیدگاه رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

حضرت امام خامنه‌ای از ابتدای سال ۱۳۷۰، در ضرورت و اهمیت تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن علیه جمهوری اسلامی تدابیر فراوانی داشته‌اند. ایشان آرایش تهاجمی فرهنگی دشمن را علیه انقلاب بسیار خطرناک معرفی کرده، در اهمیت جنگ نرم، خطر آن را برابر با جنگ نظامی معرفی می‌کنند (دفتر نشر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹). همچنین معظم له معتقدند: «اینکه ما مکرر گفته‌ایم و می‌گوییم که توطئه فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است. شعار نمی‌دهم، من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه بسیار زیرکانه‌ای در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام‌عیار فرهنگی علیه ماست» (بیانات در دیدار با مسئولین و کارگزاران نظام؛ ۲۳ مهر ۱۳۸۰).

اهمیت قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی

منشأ و پیشینه قدرت و جنگ نرم

با بررسی تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان گفت که در عمل مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران ماحصل آرمان‌های جهانی انقلاب است، اما از طرفی این آرمان‌ها نیز برگرفته از مفاهیم اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ متعالی شیعه است. از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی: «پیشینه تاریخی ایران است که همواره در برابر هجوم بیگانگان استوار بوده و فرهنگ استقامت و شجاعت و مردانگی در آن سابقه دیرینه دارد. حتی هنگامی که مغول‌ها به ایران حمله می‌کنند و به‌ظاهر پیروز می‌شوند، اما در فرهنگ ایران هضم می‌شوند. همین مسئله درباره اسرای عراقی که در اختیار ما بودند نیز رخ داد و آن‌ها بالاینکه دشمن ما بوده و در اسارت ما بودند اما به‌شدت تحت تأثیر فرهنگ ما قرار می‌گرفتند وعده زیادی از آن‌ها که به کشورشان بازگشتند در عراق به‌عنوان مبلغ جمهوری اسلامی عمل کردند. انقلاب اسلامی در بستر و شرایطی از تاریخ بشری اتفاق





افتاد که فرد هالیدی از آن به معمایی متناقض و میشل فوکو به روح جهان بی‌روح و امید جهان ناامید تعبیر کردند (هالیدی، ۱۳۶۴؛ فوکو، ۱۳۷۹).

به‌طور کلی در آن زمان روح غفلت، سرسپردگی، غرب‌گرایی و غرب‌زدگی در ایران و جهان اسلام حاکم گشته، دین و معنویت در دنیا به‌طور اعم و در ایران به‌طور اخص از بین رفته بود. به تعبیر شهید مطهری در جهان معاصر بحران معنوی بزرگ‌ترین بحران است. رژیم سلطنتی شاه جهت تحکیم روابط سیاسی وابسته خود با آمریکا و صهیونیسم و تقویت بنیان‌های قدرت، تضعیف اسلام و نهادهای مختلف مرتبط با آن را در دستور کار خود قرار داده بود. تأکید بر غرب‌گرایی و غرب‌زدگی و بزرگداشت باستان‌گرایی در راستای تضعیف باورها و آموزه‌های دینی و نهادهای دینی بود تا جایی که حتی اقدام به تغییر تاریخ ه. ش و جایگزینی تاریخ شاهنشاهی نمود. نتیجه وضعی و طبیعی شرایط زمانی و مکانی یادشده حاکمیت روح رکود و جمود بر ایران و جهان اسلام و جهان سوم بود که امکان تغییر و دگرگونی آن نزدیک به صفر به نظر می‌رسید. درواقع قدرت‌های سلطه‌گر با بهره‌گیری از شرایط حاکم نظامی سلطه‌گرانه، سکولاریستی و تقریباً تغییرناپذیر به لحاظ فرهنگی، سیاسی و نظامی حاکم کرده بودند، جمله معروف «آندرو مالرو» مبنی بر اینکه: «در جوانی شرق را عرب پیری دیدم که بر گرده خر خود به خواب بی‌پایان اسلام فرو رفته بود» (آندرو مالرو، ۱۳۶۵، ص ۲۱). حاکی از چنین بستر وضعیتی بوده است. امام به صحنه مبارزات سیاسی از نظر زمانی و مکانی دقیقاً همان شرایطی بود که مورد اشاره قرار گرفت. در شرایطی که عده‌ای از به‌ظاهر متدینین، مبارزه امام با این شرایط را مشقت بر سندان کوبیدن می‌دانستند، امام با خودساختگی تمام و روح تکلیف‌گرایی، اعتقاد به خدا، اعتماد به نفس و باور مردم توانستند بنیان‌های سخت‌افزاری رژیم سلطنتی ۲۵۰۰ ساله را درهم‌پیچیده، فراتر از آن سلطه قدرت‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا و صهیونیسم را در ایران برچیده، نویدبخش‌رهایی مسلمین و مستضعفان جهان از قید رقیت سلطه‌گران جهانی باشند. آنچه شگفت‌انگیز می‌نماید این است که پیرمردی در تبعید با دست‌های خالی چگونه توانست بنیان‌های قدرت سخت‌افزاری قدرتمندترین رژیم خاورمیانه را درهم‌پیچیده فراتر از آن سلطه سلطه‌گران جهانی را به چالش بکشد و سنگ بنایی را بگذارد که هنوز پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، این انقلاب و نظام مبعوث آن (جمهوری اسلامی)، بالنده و پویانده، اهداف



الهی و متعالی خود را دنبال نموده و با و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر همه موانع و توطئه‌های شکننده قدرت‌های شیطانی فائق آید (حاجتی، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

به عبارتی روح حاکم بر انقلاب اسلامی که روحی دینی و خداپاورانه است کاملاً متفاوت از روح مادیگرانه و سکولاریستی مدرنیته، نظام‌های سیاسی برخاسته از آن و حتی انقلاب‌های شکل گرفته در این فضا بوده است. از همین روی خاستگاه قدرت و قدرت نرم و طبیعت و ماهیت آن متفاوت از نوع غربی آن است، در فرآیند مکتب جمهوری اسلامی ایران، اسلام شیعی به مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی ساز جلوه گر شد. در این راستا نقش امام خمینی (ره) به عنوان ایدئولوگ مکتب جمهوری اسلامی ایران برجسته بود. مهم ترین اقدام در این زمینه ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود. مبنای این تغییرات تفسیر جدیدی بود که امام از مفاهیم، آموزه‌های و نمادهای اسلام شیعی انجام داد. در اینجا منشأ، پیشینه و فرآیند شکل گیری و تکوین مکتب امنیتی جمهوری اسلامی و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران را بایانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مطرح می‌نماییم:

ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اراده خودش را خودش بکند لازم است که اول بیدار شود. در سیر الی... هم اهل معرفت گفته‌اند که نقطه «بیداری» منزل اول است. در طول تاریخ در این سده‌های آخر کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجه به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱).

امام خمینی (ره) در قالب جملاتی مختلف، رمز پیروزی انقلاب، وحدت و یکپارچگی ملت، تغییر جریان مسیر تاریخ بشری، غلبه بر توپ و تانک، غلبه بر قدرت‌های شیطانی و... را متأثر از اسلام و علت شکست‌ها را متأثر از بی تفاوتی نسبت به این دین و ارزش‌های والای آن دانسته‌اند. جملاتی چند از ایشان نشانگر اهمیت و جایگاه والای اسلامی در بازتولید قدرت و حفظ نظام اسلامی و ارزش‌های والای انقلاب اسلامی است: «این‌ها از اسلام می‌ترسند، از من و تو نمی‌ترسند، این‌ها از اسلام می‌ترسند. اسلام بود که جوان‌ها را غلبه داد بر توپ و تانک و همه چیزها بر همه قدرت‌ها ملت را غلبه داد» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۸۹).





آنچه برای مردم مهم است، این است: امریکا در موضع یک چهره مهاجم، در باطن فهمیده است نقشه‌های قبلی او در این منطقه فایده‌ای ندارد. نقشه قبلی، تهاجم نظامی بود، اما قضیه افغانستان و عراق نشان داد که در این منطقه با تهاجم نظامی نمی‌شود طرفی بست و کاری کرد، مشکلات فراوانی به وجود می‌آید. به خصوص وقتی طرف مقابل، کشوری باشد مثل ایران بزرگ، ملتی باشد ملت شجاع و مؤمن ما، منطقه‌ای باشد با این همه عمق فرهنگی، با احساسات سرشار برخاسته از ایمان در میان مردم و با دولتی که متکی به آراء مردم است، اینجا کار برای آن‌ها به مراتب مشکل‌تر است. قبلاً به تهاجم نظامی تهدید می‌کردند، و الان اعتراف می‌کنند که نقشه قبلی‌شان غلط بوده است. آن‌ها می‌گویند نقشه باید این باشد که ما بتوانیم از درون، ملت ایران را استحاله کنیم، آن‌ها دنبال این هستند (بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران؛ ۲۳ آبان ۱۳۸۲).

ابعاد قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران

قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح تحلیل داخلی دارای اهمیت قابل توجهی بود به گونه‌ای که امام خمینی (ره) توانست با جاذبه فرهمند خویش مردم را به پذیرش انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد، از اهداف انقلاب اسلامی، پاسداری از آزادی و امنیت انسان در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و نظامی است. آرمان‌ها و هنجارهای انقلاب و نهادسازی متقاعد سازد بلکه در سطح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز پیام جذاب انقلاب اسلامی توانست راهگشای ملت‌های مسلمان و نیز ملل جهان‌سومی و مستضعف گردد و ضمن احیای هویت جهان اسلام، ارتقای بیداری اسلامی، به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تکیه بر خودباوری فرهنگی و پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی اهتمام ورزد (دهشیری، ج ۵۷، ص ۶۶-۸۰).

الف) در سطح تحلیل داخلی

بر اساس زیرساخت‌ها و الزامات فکری و فرهنگی سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام و تعمیق تفکر و فرهنگ بسیجی در زمره اولویت‌های نرم‌افزاری نظام جمهوری اسلامی





ایران قلمداد می‌گردد. افزون بر این می‌توان به ابعادی از قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری فرهنگد امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی محور، جنبش نرم‌افزاری و سیاست فرهنگی اشاره کرد (همان، ج ۵۷، ص ۶۶-۸۰).

۱- رهبری فرهنگد امام خمینی(ره): رهبری کاریزماتیک امام خمینی(ره) را می‌توان در ارائه ارزش‌هایی دانست که مردم را به پیروی بی‌چون‌وچرا از فرامین ایشان با توجه به جذابیت محتوای آن و باور قلبی مردم به اعتقاد امام به گفته‌های خویش و ابتناء آن بر آموزه‌های فقهی و اسلامی متقاعد می‌ساخت. چنین رهبری سیاسی که برخوردار از جذابیت، مشروعیت و اعتبار بود توانست به جذب و ترغیب افراد به تحقق خواسته‌های انقلاب بینجامد، امام خمینی(ره) با ایفای نقش رهبری کاریزماتیک و بهره‌مند از نفوذ معنوی بالا و فرهنگد توانست به خنثی‌سازی جنگ روانی و تبلیغاتی دشمنان به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی مبادرت نماید و با مدیریت بحران‌های داخلی و بین‌الملل، اقتدار شخصیتی خویش را برای تثبیت بنیادهای انقلاب به منصه ظهور.

۲- وحدت و اعتماد ملی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی: انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از اعتماد ملی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان سرمایه اجتماعی و بعد چهارم قدرت توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع کلیه اقشار و گروه‌ها و دستجات ملی و مذهبی کشور همت گمارد و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی، فرهنگ استقلالی، بسیجی، سازندگی، اصلاح‌طلبی و عدالت‌خواهی را در جامعه گسترش بخشد. وفاق اجتماعی به‌عنوان مظهر قدرت نرم توانست به ایفای کارکردهایی چون همفکری، هم‌احساسی، هم‌کنشی، و شکل‌گیری ذهن اجتماعی که به همکاری و تعامل میان گروه‌های مختلف اجتماعی می‌انجامد، پردازد و نظم درونی و بی‌نیازی از نظم بیرونی و سیاسی را آشکار سازد زیرا در پرتو انقلاب اسلامی پایایی و پویایی نظم درونی افزون‌تر بوده و ضریب اعتماد اجتماعی میان گروه‌های گوناگون جامعه از یکسو مردم و دولت از سوی دیگر ارتقاء یافته است. همبستگی ملی و مشارکت عمومی به‌عنوان مظهر قدرت نرم در مکتب جمهوری اسلامی ایران توانسته است تقبل آگاهانه و شرکت مؤثر همه افراد جامعه برای رسیدن به اهداف خاص و پیاده کردن نظام اعتقادات، باورها،





گرایش‌ها و اندیشه‌ها را تجلی بخشد و معاضدت و همکاری و همیاری آگاهانه، داوطلبانه و از روی میل و رغبت را با استفاده از تمامی امکانات بالقوه جمعی توأم با حساسیت و مسئولیت‌پذیری و قانون‌گرایی در فرآیند انقلاب اسلامی گسترش دهد. افزایش اعتماد بین مردم و نیز میان مردم و کارگزاران به‌عنوان سرمایه اجتماعی نه‌تنها در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی که پس از استقرار آن در تداوم آرمان‌ها و اهداف انقلابی مؤثر واقع شده است. رغبت مردم به مشارکت در صحنه تظاهرات و انتخابات و شوق آنان به انجام منویات و خواسته‌های رهبری در مسیر حرکت در جهت اهداف و آرمان‌های انقلاب حکایت از احساس مسئولیت آنان در قبال سرنوشت کشور و افزایش همبستگی ملی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران از رهگذر گسترش مشارکت عمومی می‌باشد. مشارکت سازنده و کارآمد مردم، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، آگاهی، انگیزه و غرور ملی، حفظ ارزش‌های دینی و استقلالی در جهت سرافرازی کشور، شادابی و نشاط عمومی، پاسخگو بودن حکومت در برابر مردم، رواج و تقویت فرهنگ نشاط و امید، تقویت خودباوری و اتکاء به نفس، قانون‌گرایی، اعتلای فرهنگ عمومی، تقویت روحیه اعتماد به نفس جوانان و گسترش فضای محبت، مودت و همبستگی در جامعه، همگی سرمایه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند که کیفیت وحدت عمومی را ارتقاء می‌بخشد (دهشیری، ج ۵۷، ص ۶۶-۸۰).

۳- توسعه دانایی محور: انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای اهتمام هم‌زمان به توسعه چندبعدی در ابعاد علمی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و اجتماعی علاوه بر توسعه سیاسی و اقتصادی فراهم آورد. این مهم ناشی از توجه به فرهنگ به‌عنوان حوزه مستقل و با لذات مطلوب و بهره‌گیری نرم‌افزاری از دین به‌عنوان نظام معانی و نمادسازی بود. انقلاب اسلامی رویکرد توسعه دانایی محور را برای تبدیل کشور به جامعه‌ای دانش‌بنیان اتخاذ کرد تا علم و اندیشه مسیر حیات فردی و جمعی را مشخص سازد و فرآورده‌های علمی خود را با اقتدار، صلابت و عزت به ارمغان آورد و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش اجتماعی ایفا کند. نواندیشی در دو نهاد حوزه و دانشگاه را تشویق کرد تا این دو سرمایه گران‌سنگ توانمندی‌های معنوی و مادی کشور را متبلور سازند و زیرساخت‌های علمی را تحول بخشند. علاوه بر تحریض نخبگان نرم‌افزاری به‌قرار گرفتن در قلّه علم و دانش به‌منظور عظمت و



اقتدار کشور، تبادل فکر و اندیشه را به عنوان بستری مناسب برای رشد علمی و فکری و شکوفایی استعدادها تشویق نمود و ژرف بینی و ژرف یابی در علم را با ترویج فرهنگ حمایت از علم و پژوهش و اعتماد به نفس، حرکت به جلو تلاش برای آزادی و استقلال کشور زمینه پیشرفت فکری، معرفتی و مدنی کشور دانست. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی دانشگاه خود اندیش، مستقل و دارای اعتماد به نفس و قدرت تولید فکر و علم، مرتبط با فرهنگ مردمی و متصل به دل بستگی ها و عشق و جاذبه های موجود میان مردم را جایگاهی برای عزت و آبرو اقتدار جهانی نظام قرارداد و با تحریض ابتکار و خلاقیت هم زمان با توجه دانشگاه به فرهنگ و ایمان و باورهای عمومی و دل بستگی های مردمی، نظام تعلیم و تربیت کشور را در جهت کیفی سازی سرمایه های انسانی و استقلال فنی و قدرت نرم افزاری کشور بسیج کرد. برخورداری انقلاب اسلامی از این قدرت نرم توانست جلوه مثبتی از فرهنگ و سیاست را در اذهان جهانیان ایجاد کند و فرهنگ استقلال را که ریشه در ارزش های بومی و اسلامی و نفی خود باختگی در برابر غرب داشت نهادینه سازد.

۵- سیاست فرهنگی: انقلاب اسلامی ایران با هدف نشر و گسترش اندیشه و پیام اسلام، استقلال فرهنگ، تکامل روحی و اخلاقی، تحقق کامل فرهنگ اسلامی در عین اهتمام به درک مقتضیات زمان، اولویت خود را بر برنامه ریزی و اصلاح فرهنگ جامعه و نهادینه کردن آن مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی قرارداد و سیاست فرهنگی برگرفته از جهان بینی و انسان شناسی اسلامی بر اساس احترام به کرامت انسانی، سرشت معنوی بشر، خیرخواهی، آرمان طلبی، استقلال گرایی، آزادی خواهی، عزت نفس و قدرت ایمان را محور فعالیت های خود قرارداد. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی زمینه های افزایش تحرک و جهاد علمی، اجتهاد فرهنگی، ارتقای دانش و آگاهی عمومی و اعتلای روحیه تحقیق و ابتکار را فراهم آورد و در سایه گسترش روحیه خودباوری و خوداتکایی، وحدت حوزه و دانشگاه، پیوند دین و سیاست، مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و نفی خود باختگی در برابر غرب، ترویج فرهنگ استقلالی و مشارکتی و نفی فرهنگ تبعی و منفعل، به دگرگون سازی مناسبات فرهنگی و زیربنای فکری و تحول فرهنگی همت گماشت و با احیای خاطره جمعی بر اساس آموزه های اسلامی و الگوهای سازنده دینی به تقویت هویت فرهنگی و انسجام ملی پرداخت. از این رو، استیلای فرهنگ بر سیاست،





اقتصاد و اجتماع در فرآیند انقلاب اسلامی موجب گردید به کلیه ابعاد مدیریت فرهنگی اهتمام جدی مبذول گردد و سیاست فرهنگی مبتنی بر ابتکار، خلاقیت و مسئولیت و ایجاد مدل فرهنگی یا انگاره فرهنگی بومی، نوعی مصونیت ارزشی را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد (پور احمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۳)

ب) در سطح تحلیل منطقه‌ای

در زمره ابعاد قدرت نرم افزاری انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای می‌توان به مواردی از جمله بازسازی تمدن اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم اشاره کرد که ذیلاً به تجزیه و تحلیل این جنبه‌ها پرداخته می‌شود (سلطانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳).

۱- بازسازی تمدن اسلامی: انقلاب اسلامی ایران با اعطای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن ارتباطی برای انتقال پیام نواندیشی دینی در جهان اسلام توانست رویکرد تمدنی خود را به منصه ظهور رساند. همچنین از رهگذر احیای ارزش‌هایی چون عدالت محوری و عدالت گستری، توسعه و تعالی مکتب امنیتی و درون‌زا، توسعه عدالت محور، کرامت انسانی و آزادی‌های مشروع، صلح‌طلبی، عزت نفس، استقلال‌گرایی، توسعه اخلاق و دین‌مداری، هنجارسازی، شکوفایی حس خداجویی، حقیقت‌خواهی، علم دوستی و نوع دوستی و تحکیم مبانی مردم‌سالاری دینی و بسط و گسترش آن، موجبات شکوفایی و بالندگی مجدد تمدن اسلامی را در راستای تمدن‌سازی نوین فراهم آورد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی توانست بلوک ایدئولوژیکی واحدی را تشکیل دهد که غرب را وادار به دست کشیدن از ادعای جهان‌شمولی خود سازد (گلشن پژوه، ۱۳۷۸، ص ۳۱۵).

علاوه بر این، انقلاب اسلامی با تقویت مبانی حوزه استدلال و تولید فکر و اندیشه، تشویق رابطه متقابل و مکتب امنیتی جوامع مسلمان با یکدیگر مشوق اصلی بازسازی تمدن اسلامی بر اساس مفهوم‌سازی و هنجارسازی و با تکیه بر ظرفیت‌های خودی و درونی و استفاده از الگوهای دینی و بومی جوامع مسلمان قلمداد گردد (پور احمدی، ۱۳۸۹، ص ۹۳).

۲- ارتقای بیداری اسلامی: درخشش خورشید انقلاب اسلامی موجب شد بارقه‌های امید در جهان اسلام پدیدار شده و امید به حاکمیت آرمان‌های اسلامی و اصول و عقاید



دینی مبتنی بر فطرت پاک انسانی از جمله استقلال و آزادی خواهی، عدالت طلبی، استکبارستیزی و حمایت از مظلوم دوچندان گردد. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه آغاز خیزش تفکر اسلامی توانست با شکل دهی به قشر جدیدی به نام نخبگان نرم افزاری به عنوان تولیدگران اندیشه و تفکر اسلامی به احیای ارزش های دینی مبادرت ورزد و با تبیین تلائم و پیوند و سازگاری اسلام، دموکراسی، هویت اسلامی را به مسلمانان بازگرداند و عزت و اعتماد به نفس را در میان آنان ایجاد کند. این انقلاب توانست با احیای تفکر دینی در جهان معاصر، تجدید حیات اسلام و بازگرداندن آن به صحنه بین المللی سیاست، نشان دادن خصیصه جهانی و سیاسی اسلام، تجدید حیات مذهبی در اغلب کشورهای جهان اسلام در قالب جنبش های دینی نو، تشویق حضور مجدد دین در زندگی مدرن و احیای معنادار دین و حیات دینی در زندگی روزمره، دین را به عنوان عامل ثبات و پایداری در عین حرکت آفرینی معرفی کند و همتای منطقه و جهان را با نقش دین در حیات بشری آشنا سازد. این مهم موجب گردید اهمیت قدرت اعتقادی برای ارتقای نقش آفرینی مسلمانان مضاعف گردد. اسلام گرایی از نقش محوری در مبارزات آزادی خواهان مسلمان برخوردار شود، اسلام در مبارزات انقلابی تمرکز و محوریت یابد، اسلام به عنوان بزرگ ترین عامل احیاء کننده روح و تضمین کننده سعادت انسان ها معرفی شود و سرانجام تأثیر گذاری معنوی بر نهضت های اسلامی و مردمی موجبات گسترش بیداری اسلامی را در سراسر جهان اسلام فراهم سازد (سیمبر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲).

۲- احیای هویت جهان اسلام: انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم گیری جهانی قلمداد گردد و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی با اثبات توانایی دین برای حکومت داری و احیای نقش دین به عنوان عنصری تأثیرگذار بر تحولات جهانی توانست به زنده کردن هویت اسلامی بر اساس پیوند دین و سیاست مبادرت نماید. احیای هویت تمدن اسلامی و نقش آفرینی اندیشه اسلامی در عرصه هنجار سازی و گفتمان سازی، حکایت از آن داشت که انقلاب اسلامی توانسته است نقش دین را در نظام تصمیم گیری منطقه ای و بین المللی به منصه ظهور رساند. این مهم مرهون بازسازی تمدنی در پرتو انقلاب





اسلامی بود که بر شاخص‌هایی از قبیل پیوند دیانت و سیاست، اقامه و بسط عدالت اجتماعی، تکیه بر قدرت معنوی، تقویت خودباوری، شناخت و آگاهی مسلمانان از ظرفیت‌های بومی، تبیین جهان‌شمولی و فراگیری اسلام در ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، فراهم آوردن زمینه‌های عملی وحدت و همبستگی جهان اسلام و پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی، تأکید بر نقش سازنده دین در سیاست و اثبات توانایی آن در به دست گرفتن حکومت، نمایاندن اهمیت انگیزشی اسلام برای حرکت بخشی به مبارزات انقلابی ملت‌های مسلمان، محوریت بخشیدن به روحیه اسلامی و انگیزه و هدف اسلام‌خواهی، اثبات باور قدرت دین و انگیزه‌های مذهبی در مبارزه و انقلاب، احیای جنبش بازگشت به خویشتن در جهان اسلام، احیای تفکر اسلامی و نشان دادن قدرت واقعی اسلام به تقویت مجدد عظمت جهان اسلام و تجدید حیات آن در عرصه جهانی مبادرت نماید و با صدور پیام معنوی خود، اعتماد ملت‌های مسلمان به آینده نظام مردم‌سالاری دینی را افزایش بخشد.

۳. جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌ویژه در فلسطین از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (ره)، نشان از عمق توجه ایران اسلامی به مسئله فلسطین و اعتقاد به حمایت از مبارزات آنان داشت. انقلاب اسلامی ایران موجب شد تا اسلام مجدداً وارد صحنه مبارزه شده و نهضت فلسطین با محوریت اسلام به مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیست تداوم بخشد. درواقع، با پذیرش نمادها و شعارهای انقلاب اسلامی به‌عنوان اصول اساسی جهاد از سوی گروه‌های اصول‌گرای اسلامی و تأکید آنان بر شهادت، فداکاری و سلحشوری در راه هدف، انقلاب اسلامی توانست نقش خود را در جهانی کردن مسئله فلسطین، مبارزه با صهیونیسم را ابعادی جهانی بخشد و نقش خود را در گسترش بعد مبارزاتی جهان اسلام با رژیم صهیونیستی به منصفه ظهور رساند (<http://www.leader.ir>).

ج) در سطح تحلیل بین‌الملل

۱- به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب: انقلاب اسلامی ایران باهدف متحول سازی محیط بین‌الملل از رهگذر تحول و دگرگونی در افکار و اذهان مردم، نه تنها به چالش فکری و سیاسی با غرب مبادرت ورزید که توانست با اتکاء به قدرت نرم‌افزاری خود و بازتعریف نسبت نوین از معنویت و سیاست، الگوی روش زندگی و مدل جدید اجتماعی جایگزین را نمایان سازد. به‌منظور مقابله با تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی، امریکا به مقابله نرم‌افزاری با این انقلاب پرداخته است. عملیات نرم‌افزاری از قبیل بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای برای جهت‌دهی به افکار عمومی جامعه بین‌الملل علیه ایران و سازمان‌دهی ادراک نخبگان سیاسی و گروه‌های اجتماعی آمریکایی در این چارچوب، در راستای سوق دادن فضای اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی امریکا در جهت مقابله با نخبگان سیاسی ایرانی سازمان‌دهی شده است. امریکا با بهره‌گیری از موج «دیپلماسی عمومی» درصدد است به ایجاد تغییر در حس اعتماد مردم به‌نظام و دگرگونی در فرآیندهای باورپذیری جامعه بپردازد. بنابراین موج جدید مبتنی بر جلوه‌هایی از الگوهای رفتاری و خلق واژه‌های جدید به‌منظور بسترسازی برای تحقق انگاره سازی تهاجمی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده‌شده است چراکه این انقلاب توانسته است با ماهیت قدرت نرم‌افزاری خود شالوده فکری و هنجاری نظام سلطه را خدشه‌دار سازد (دهشیری، ج ۵۷، ص ۶۶-۸۰).

۲- گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل: انقلاب اسلامی ایران بر اساس اصل «نه شرقی نه غربی» توانست علاوه بر شکستن ابهت استکبار جهانی و قطع دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستضعف، پیام و راه ثالثی را به جهانیان عرضه کند که بر استقرار اجرای عدالت، تکیه بر آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی در سراسر جهان و تحکیم وحدت امت اسلامی در جهت استقرار عدالت و نفی سلطه قدرت‌های استکباری تأکید می‌کرد. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران توانست عملاً با گشایش جبهه ثالث توانست در جهت صدور پیام انقلاب در ابعاد مختلف تلاش نماید که این مهم ناشی از تقویت وحدت جهان اسلام در عرصه بین‌الملل، مخاطب قرار دادن مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان و بهره‌گیری از جاذبه قدرتمند پیام استقلال‌طلبانه آن بود. انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت نه شرقی نه غربی خود توانست



ابعاد صدور پیام جهانی انقلاب را با تکیه بر معنویت، استقلال، عدالت و آزادی گسترده‌تر سازد و الگویی ثالث را فرا راه تمامی کشورهای جهان‌سومی و اسلامی قرار دهد. از این‌رو، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر اهمیت قدرت نرم‌افزاری توانست قواعد و هنجارهای بین‌المللی را زیر سؤال ببرد و نگرشی ثالث در ساختار نظام بین‌الملل را به ارمغان آورد که بر نفی سلطه و استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان در روابط بین‌الملل استوار باشد. انقلاب اسلامی با تغییر معادلات قدرت در سطح جهانی و با اطلاع‌رسانی پیرامون توان اسلام در احیای مناسبات سیاسی و اجتماعی، توانست جهان اسلام را از حاشیه به متن بکشد و با آگاهی بخشی به افکار عمومی جهانی در مورد نظام سلطه، به متحول سازی محیط بین‌المللی مبادرت ورزد و از این رهگذر تعادل قدرت در عرصه بین‌الملل را به نفع کشورهای جهان رقم زند

(2: <http://net.educause.edu/ir/library/pdf/FFP0502S.pdf>).

۳- پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی: انقلاب اسلامی ایران با تبیین اندیشه تحول بر مبنای معنویت و اسلام و احیای دین در سطح جهان می‌توانست ضمن اهتمام به صدور پیام انقلاب، از قدرت نرم‌افزاری اندیشه به‌عنوان بستری برای تعامل پویا و تبادل سازنده استفاده نماید و بدین ترتیب زمینه‌ساز تحقق انقلاب فرهنگی جهانی گردد. رشد گفتمان دینی در پی بازخوانی تفکر دینی از سوی انقلاب اسلامی بر اساس تلفیق جمهوریت و اسلامیت موجبات بسط و گسترش کمی و کیفی هنجارهای دینی و ارتقای روند فکری جوامع مسلمان متناسب با تحولات ابزاری و تکنولوژی مدرن گردید. انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم ارتقای توسعه و کارایی عناصر درونی و بومی جوامع اسلامی و ضرورت سازگاری و انطباق پویای آن‌ها با تحولات جهانی و متناسب با مقتضیات زمان، توانست دیدگاهی منطقی و آگاهانه نسبت به واقعیات اعتقادی و تحولات اجتماعی ارائه دهد و با تکامل بخشیدن به مبادی فکری بر اساس نگرش‌های عقلانی، بین نسل جدید و سنت‌های گذشته پیوند برقرار سازد. انقلاب اسلامی با حمایت و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران از ارزش‌های اسلامی، مسلمانان و مستضعفان جهان و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادیبخش توانست به احیای مجدد عظمت و شکوه تمدن اسلامی در عرصه بین‌الملل همت گمارد. در مجموع می‌توان گفت ماهیت تهدید پس از فروپاشی شوروی، تهدید نرم



است. از دیدگاه صاحب‌نظران جدید غرب، جهان اسلام و رشد اسلام سیاسی در آن، به‌مثابه گفتمان غالب در خاورمیانه، چالش اصلی فرهنگ لیبرال دموکراسی است. در این چارچوب و به استناد گزارش کمیته خطر جاری در مورد نحوه برخورد با جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت، جلوگیری از روند رو به رشد اسلام‌گرایی و عمق استراتژیک قدرت نرم جهان اسلام در مقابل قدرت نرم جهان غرب بخشی مهم از محتوای سند استراتژی امنیت ملی امریکا می‌باشد که جایگزین استراتژی سد نفوذ شوروی شده است. از این دیدگاه، تهدید امنیت ملی امریکا، تهدیدات نرم، نامتقارن و ترکیبی است که منابع آن در کشورها و رژیم‌های ضدامریکایی و غیر لیبرال خاورمیانه معرفی شده است. (دهشیری، ج ۵۷، ص ۹۰).

در چرایی و منشاء جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی می‌توان گفت، مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بر دو دلیل اصلی به‌عنوان منشاء جنگ نرم و چرایی به وجود آمدن جبهه عظیم فرهنگی در برابر جمهوری اسلامی تأکید دارند، که عبارت است از: الف- شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام اسلامی ب- عمیق‌تر و پیچیده‌تر شدن ریشه‌های نظام اسلامی بر اساس دلایل یادشده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با توجه به ناکامی دشمن در تقابل سخت (درگیری‌های گروه‌های ضدانقلاب، شورش‌های قومی، کودتا و جنگ تحمیلی) با نظام جمهوری اسلامی و مکتب امنیتی، همچنین عظمت و اقتدار نظام در ابعاد مختلف و سه دهه تجربه آن در مقابله با دشمن، احتمال تکرار برخورد سخت ضعیف می‌باشد و دشمن برای مقابله با نظام روش‌های خود را پیچیده‌تر نموده است. همچنان که ریشه‌های نظام جمهوری اسلامی عمیق‌تر و پیچیده‌تر شده است.

الف- قدرت عظیم نرم در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران از ارزش‌های انسانی و اسلامی در جهان هویدا شد. ب- بعد نرم و فرهنگی انقلاب بر سایر ابعاد برتری یافت. ج- انقلاب اسلامی برای حکومت‌داری، گفتمان نوینی را پدید آورد. ه- هویت نوین انقلابی، باصالت و عمیق در مردم ایران شکل گرفت. خ- این بعد، منبع اصلی قدرت نرم و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و رمز ماندگاری و نفوذ نظام اسلامی شده است. ر- هرروز بر عمق، عظمت و پیچیدگی آن افزوده شد. ز- از ۳۴ سال تجربه انقلاب، هشت سال تجربیات دفاع مقدس و بیش یک قرن مبارزه و مقابله با دشمن برخوردار است.





(موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۶، ص ۴۱۹). بنابراین دشمن برای مقابله با نظام اسلامی روش‌های خود را پیچیده‌تر نمود.

در نمودار درختی قدرت نرم استکبار جهانی، پنج هدف به‌عنوان مهم‌ترین اهداف دشمن و سه محور به‌عنوان خطوط اصلی قدرت نرم استکبار جهانی از دیدگاه مقام معظم رهبری مطرح‌شده، که بدین شرح است:

۱. اهداف دشمن: الف- ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم ب- انهدام سنگرهای معنوی ج- تبدیل نقاط قوت ما به نقاط ضعف د- تبدیل فرصت‌های ما به تهدید ه- تخریب پایه‌های نظام

۲. خطوط اصلی دشمن: الف- بدبین کردن مردم نسبت به هم و ایجاد اختلاف در جامعه ب- خدشه در نشانه‌های امید و القای یأس به جامعه ج- انصراف ذهن مردم از دشمنی دشمن.

شیوه‌های انتقال مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران به جهان

قدرت نرم به آن دسته قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری از ابزاری چون فرهنگ، آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. جنگ نرم با پشتوانه قدرت نرم انجام می‌گیرد بنابراین تمام ابزارهای حامل قدرت نرم را باید به‌عنوان ابزارهای موردتوجه و شناسایی قرارداد. این ابزارها انتقال‌دهنده پیام‌ها با اهداف خاص هستند. مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌واسطه آگاهی بخشی و عنصر دعوت اسلامی به دیگر کشورهای مسلمان رساند. اساساً دستاوردها، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب با استفاده از ابزار تبلیغ به گوش جهانیان می‌رسد. از این‌رو، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) جهت انعکاس واقعیت‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی به جهان سعی کرده‌اند از این ابزار به‌خوبی استفاده کنند. امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت استفاده از تبلیغات برای صدور فرهنگی انقلاب چنین می‌فرمایند: ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچون چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به‌وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به‌وسیله همین صداوسیما، به‌وسیله





مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود (صحیفه نور، ج ۱۸: ص ۲۴۳).

رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در خصوص ابزارها و شیوه‌های انتقال پیام انقلاب اسلامی به جهانیان چنین تأکید می‌کنند: انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، مفاهیم بکر و تازه‌ای در دنیا دارد، مفاهیمی دارد که اگرچه مشترکاتی با دنیا دارد، اما اختصاصاتی دارد که این را از شبیه خودش در مکاتب گوناگون و جریان‌های فکری دنیا جدا می‌کند، باید آن را در بیاوریم و پایش هم بایستیم و بیان کنیم (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ 80/11/17)، برخی از مهم‌ترین ابزارهای مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

ابزارهای مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

۱. برقراری روابط مسالمت‌آمیز با دیگر ملل جهان، که باعث تحکیم روابط دوستانه میان جمهوری اسلامی و سایر کشورها می‌گردد.
۲. شناخت طرح‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی دشمنان انقلاب اسلامی و برخورد هوشمندانه با برنامه‌های آن‌ها
۳. تمرکز بیش‌ازپیش بر ضرورت بصیرت و افزایش آن در سطوح مختلف به‌ویژه خواص و افراد تأثیرگذار جامعه.
۴. بازشناسی ابعاد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت نرم جمهوری اسلامی توسط خواص و تعیین آن بر سطح جامعه با تمرکز بر روشن نمودن حقایق.
۵. تأکید بر لزوم آگاهی از ابزارها و تکنیک‌های تبلیغی کارآمد و به‌روز، جهت مخاطب‌شناسی برای موفقیت در عرصه تبلیغات.
۶. اهتمام به شناخت آموزه‌ها و فرهنگ‌های دیگر ملل
۷. کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت در جهان چند فرهنگی امروز
۸. رشد گفتمان دینی در پی بازخوانی تفکر دینی از سوی انقلاب اسلامی بر اساس تلفیق جمهوریت و اسلامیت موجبات بسط و گسترش کمی و کیفی هنجارهای دینی و ارتقای روند فکری جوامع مسلمان متناسب با تحولات ابزاری و تکنولوژی مدرن گردید.





۹. برنامه‌ریزی جامع و فرابخشی و طراحی فرهنگی با در نظر گرفتن اصول ارزشی، امکانات و تسهیلات و ابزارهای موجود و ارادهٔ مردم و نخبگان
۱۰. تدوین سیاست‌های فرهنگی جامع، صریح، روشن و هدفمند بر اساس ملاحظات فرهنگی جامعه داخلی و بین‌المللی به‌دوراز استیلای سیاست بر فرهنگ ملی
۱۱. نهادینه‌سازی نگاه راهبردی مسئولان کشور به اولویت برنامه‌های فرهنگی
۱۲. طراحی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری فرهنگی بر اساس قواعد وسیع و تدرج، تفکیک اصول از فروع

۱۳. تقدم و اولویت‌بخشی به عناصر دینی و ارزشی
۱۴. توجه به ظرفیت‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و امکانات و ابزارهای فرهنگی و ارزشی و بسترسازی برای سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگی به‌گونه‌ای که بخش فرهنگ نه تحت استیلای سیاست که در پیوند و ارتباط مداوم و مستمر با آن به‌عنوان حوزه‌ای مستقل باشد.
۱۵. تأکید بر قدرت نرم‌افزاری فرهنگ و تفکر و نیز تفوق اندیشه‌ورزی بر ابزارانگاری
۱۶. تبیین خردورزی به‌عنوان ملاک مقبولیت و دین‌داری به‌عنوان معیار مشروعیت. بدین معنا که ارزش اسلام محور با روش جمهور محور به‌گونه‌ای تلفیق گردید که عقلانیت اخلاقی و خردگرایی غایی را به عقلانیت ابزاری مدرنیته پیوند می‌داد و از این‌رو بود که انقلاب اسلامی با تفسیری موسع از عقلانیت، آن را به‌عنوان حافظ آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خویش قرارداد و بدین‌سان توانست وحدت بین نظر و عمل برقرار سازد چراکه آرمان‌ها در طول واقعیت‌ها قرار گرفتند و آرمان‌گرایی واقع بینانه توانست پلی بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها برقرار سازد.
۱۷. توجه به اهداف و آرمان‌های مکتب جمهوری اسلامی ایران و همچنین حیطه‌ی دائماً رو به گسترش نفوذ سیاست خارجی آن و رسالت اسلامی و انقلاب‌بیش که نفی‌کننده‌ی وضع موجود جهان است.

۱۸. گسترش عناصر فرهنگ ایرانی – اسلامی و الهام بخشی در جوامع دیگر
۱۹. تدوین، تنظیم و اجرای دیپلماسی فرهنگی کارآمد و روزآمد.
۲۰. دیپلماسی کنشگر و کنشمند که بتواند فرصت و بستر لازم برای استفاده بهینه از داشته‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، برای تأمین منافع ملی کشور را فراهم آورد.



۲۱. شناسایی ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مقدرات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قدرت نرم.

۲۲. شناسایی عناصر قدرت فرهنگی و نرم جمهوری اسلامی ایران؛

۲۳. شناخت و درک مزیت‌های نسبی هر یک از عناصر فرهنگی؛ تناسب و تعادل بین اهداف و ابزارها با توجه به مزیت‌های نسبی فرهنگی کشور. شناسایی و به‌کارگیری ۲۳. مؤلفه‌ها و عناصر قدرت ملی ایران که کاربرد و کارکرد غیرمستقیم و باواسطه فرهنگی دارد.

۲۴. اولویت‌بندی استفاده و به‌کارگیری هر یک از این عناصر، ابزارها و مزیت‌های نسبی فرهنگی کشور در دیپلماسی فرهنگی.

۲۵. ارائه الگوی جذاب مکتب جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای آن به افکار عمومی جهانیان، سطح کلی اقتدار کشور را در فضای به‌شدت رقابتی کنونی ارتقا می‌دهد.

۲۶. ازدیاد شبکه‌های بین‌المللی برای شناخت بهتر انقلاب اسلامی، که از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهای گسترش حیطه قدرت نرم در محیط بین‌المللی بشمار می‌آیند.

۲۷. به‌کارگیری ابزاری مانند فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی جامعه می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر دیگر توانایی‌ها و رفتارهای موجود در کشور تأثیر بگذارد.

۲۸. ایجاد قدرت جاذبه فرهنگی، اقتصادی، دیپلماسی عمومی، تعامل و نفوذ بالا در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

([http://www.wikipedia.org/wiki/Hardpower.Soft power35](http://www.wikipedia.org/wiki/Hardpower.Soft_power35))

موانع ارتقای جایگاه و نقش قدرت نرم در روند تکاملی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

باید از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه خودداری ورزدا چرا؟ که توجه به نقش قدرت نرم بدون توجه به مقتضیات زمینه‌ای و محیطی آن موجب آرمان‌گرایی محض می‌شود و نیز غفلت از اهمیت قدرت نرم‌افزاری به‌عنوان ظرفیت و پتانسیل عمده مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران موجبات انفعال و ادادگی را فراهم می‌آورد. از این‌رو شایسته است متناسب با تحرک و رشد و پیشرفت جامعه بشری و با آینده‌نگری در خصوص فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو به نوآوری و خلاقیت در زمینه سیاست‌های فرهنگی اهتمام ورزد. در این راستا، شایسته است به آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی که ناظر بر ارتقای نقش و جایگاه قدرت





نرم است پرداخته شود (http://mohajerinnewz.mihanblog.com/post/51).

آسیب‌شناسی جایگاه و نقش قدرت نرم در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

در زمره آسیب‌های سیاست فرهنگی به‌عنوان خط‌مشی نرم‌افزاری نظام مردم‌سالار دینی می‌توان به موارد زیر به‌عنوان موانع فراروی تحقق قدرت نرم در فرآیند مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد:

۱- عدم برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه‌نگر به دلیل نبود یک ابر سیستم ملی در برنامه‌ریزی آموزشی و روزمرگی و مقطعی و موقت و شتابان بودن سیاست‌های فرهنگی با توجه به عدم هماهنگی سیاست‌های فرهنگی با سایر برنامه‌های توسعه کشور و نیز عدم تناسب سیاست‌های فرهنگی با جامعه‌شناسی فضای زندگی، آمایش سرزمینی و ژئوکالچر کشور؛

۲- عدم تحقق بسترها و زیرساخت‌های فرهنگی به دلیل عدم هماهنگی میان کانال‌های جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی و توسعه نیافتگی فرهنگی ناشی از تضاد بین نهادهای فرهنگ‌پذیری شامل خانواده، گروه‌های همسال، گروه‌های مرجع، رسانه‌ها و مراکز آموزشی و تحصیلی؛

۳- سیاست‌های تدافعی، سلبی، سلیقه‌ای، سطحی، ظاهرگرا، بی‌ثبات و شتابزده به جای سیاست‌های تعاملی، پویا، ایجابی و سنجیده متناسب با پیش‌بینی آینده فرآیندهای جهانی و منطبق با شناخت وضعیت طبقات و اقشار اجتماعی در داخل کشور؛

۴- سیاست‌زدگی فرهنگی یا استیلای سیاست بر فرهنگ به جای تعامل و همگونی بین چهار حوزه سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد بر اساس نگرش پارسونزی؛

۵- آمیختگی فرهنگ با ملاحظات امنیتی به‌گونه‌ای که با خرده‌فرهنگ‌های قومی و میکروناسیونالیسم برخورد سخت‌افزاری صورت می‌پذیرد بدون اینکه آستانه امنیت، فراتر تلقی شود و همچنین بروز هر ناهنجاری به‌عنوان مقوله‌ای ضدامنیتی قلمداد می‌شود.

۶- افراط و تفریط در سیاست‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی به‌گونه‌ای که گاه میزان دروس فرهنگی و دینی در دانشگاه‌ها افزایش می‌یابد و گاه به نام علمی‌گرایی به ترویج غرب‌گرایی اهتمام می‌گردد؛ گاه ایران‌گرایی و اسلام‌گرایی در تقابل با یکدیگر مطرح می‌شود، گاه سیاست‌های فرهنگی داخلی در اولویت قرار می‌گیرد و گاه به دیپلماسی فرهنگی در عرصه بین‌المللی اهتمام فزاینده مبذول می‌گردد.

۷- تمرکز فعالیت‌های فرهنگی در دست دولت به جای واگذاری بخش فرهنگی به





نهادهای جامعه مدنی به گونه‌ای که سیاست‌های بوروکراتیک موجب پیچیده و غامض شدن و ناکارآمدی و کندی سیاست‌های فرهنگی می‌شود.

۸- دخیل بودن مراکز، نهادها و وزارتخانه‌های مختلف در سیاست‌های فرهنگی داخل و خارج از کشور به گونه‌ای که گاه بین سیاست‌های مؤسسات تأثیرگذار بر سیاست نرم‌افزاری کشور تضاد و ناهمگونی وجود دارد، گاه نوعی بخشی‌نگری بر سیاست‌های فرهنگی حاکم می‌شود و گاه نهادهای هم‌عرض که اختلاط کارکردی دارند بر مأموریت‌ها و سیاست‌های فرهنگی نظارت می‌کنند.

۹- نامشخص بودن کار ویژه‌های نرم‌افزاری در سیاست فرهنگی به گونه‌ای که بین تبلیغ به معنای سخن همدلانه و مفاهمه‌آمیز با ارشاد به معنای وعظ و اندرز یکسویه تمیز داده نمی‌شود و بطور کلی فقدان تعریف روشن و توافق شده‌ای درباره مفاهیم اصلی و مؤثری چون فرهنگ، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، توسعه فرهنگی، مدیریت فرهنگی، نظارت فرهنگی و مسئولیت فرهنگی؛

۱۰- عدم تناسب بین سیاست‌های اعلامی و اعمالی به دلیل عدم محاسبه ظرفیتها قبل از بیان وعده‌های سیاسی فرهنگی، شعارزدگی، فرصت‌طلبی ایدئولوژیک و اعلام طرحها قبل از تأمین بودجه‌ها و منابع مالی موردنیاز؛

۱۱- حاکمیت نگرش کمی به مقوله‌های فرهنگی به گونه‌ای که کیفیت فدای کمیت، ارایه آمارها و بیلان‌های عملکردی می‌شود و بطور کلی فقدان روش مناسب جهت ارزیابی و سنجش مستمر تحولات فرهنگی و اجتماعی و میزان و محدوده تأثیر فعالیت‌های فرهنگ در جامعه؛

۱۲- حاکمیت دیدگاه لیبرالیستی در حوزه معرفت‌شناسی اسلامی با عناوینی چون پست مدرنیسم با توجه به سیاست‌های نرم‌افزاری قدرت‌های بزرگ که با ابزارهای ماهواره‌ای و فناوری‌های ارتباطی درصدد تحمیل شیوه زندگی غربی به جوامع درحال توسعه هستند و نیز با توجه به برنامه‌ریزی قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای فروپاشی اجتماعی از رهگذر استحاله هویت ملی؛

۱۳- ناهماهنگی بین سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست فرهنگی با توجه به عدم تفکیک سطوح تحلیل و نیز نبود برنامه‌ریزی جامع مبتنی بر هماهنگی کارکرد نهادهای دولتی، شبه‌دولتی و غیردولتی متکفل در امور فرهنگ؛





- ۱۴- آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از فقر، فساد و تبعیض که منجر به بی‌ثباتی و ضعف فرهنگی می‌گردد.
- ۱۵- انفعال و خودباختگی روشنفکران سکولار و غریزه نسبت به فرهنگ غربی و غفلت آنان از تهاجم فرهنگی از بیرون و درون کشور؛
- ۱۶- فقدان برنامه‌ریزی در نظام آموزشی کشور در جهت اسلامی شدن محیط دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش و احتمال دوری مراکز آموزشی از فرهنگ و ارزش‌های استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی؛
- ۱۷- عدم نظارت عمومی و ملی یا سازمانی به‌صورت واقع‌بینانه و هماهنگ بر روند اجرای مأموریت‌های فرهنگی توسط سازمان‌ها و نهادهای ذیربط و عدم تلاش لازم هماهنگ‌ساز توسط نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی کشور؛
- ۱۸- فقدان راهبرد مناسب و کارآمد در جهت به کارگیری همه توانائی‌های فکری و فرهنگی کشور و نیز فقدان سیاست منسجم فرهنگی برای رشد خلاقیت‌های فردی و مشارکت‌های جمعی و گروهی فرهنگی؛
- ۱۹- افزایش تبلیغات رسانه‌های غربی علیه اسلام جهت ایجاد جو اسلام‌هراسی در جوامع خویش از رهگذر تبلیغ مواردی چون پیوند بنیادگرایی اسلامی با تروریسم، عدم سازگاری اسلام با دموکراسی و استفاده ابزاری از دین در کشورهای اسلامی و بطور کلی القای برداشت‌های نادرست از برخی مفاهیم دینی؛
- ۲۰- برداشت‌های غلط و یکسویه از فرهنگ بر مبنای تلقیات شخصی و گروهی و یا سلیق سیاسی و یا باورهای خاص خود و یا اهداف و منافع فردی و گروهی؛
- ۲۱- فقدان سیستم مناسب ارزیابی و کنترل کیفی عملکردهای فرهنگی در داخل کشور و نیز ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی و تأثیرات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف و بطور کلی روشن نبودن مفهوم و محدوده نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی به دلیل نقص و نارسایی در تشکیلات، طرح و منابع فعالیت‌های فرهنگی؛
- ۲۲- وجود شکاف بین مدیریت‌های فرهنگی و مراکز تحقیقاتی و بطور کلی بی‌توجهی به امر مطالعه و پژوهش در امور و فعالیت‌های فرهنگی و نیز روزمرگی و عمل‌زدگی ناشی از فراموش نمودن آموزش و تحقیق در عرصه مدیریت فرهنگی؛



از آسیب‌های سیاست فرهنگی به عنوان خط‌مشی نرم‌افزاری نظام مردم‌سالاری دینی، عدم تناسب بین سیاست‌های اعلامی و اعمالی، شعارزدگی و اعلام طرح‌ها قبل از تأمین بودجه و منابع مالی مورد نیاز است

(<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/130/6200/65831>)

مکتب امنیتی انقلابی

این نوع اندیشه‌ها و رفتارها، درصدد تغییر کامل اوضاع هستند. مبانی این اندیشه، برخاسته از دین، و هدف آن، انجام تکلیف الهی به منظور «حفظ اسلام» و «حفظ کشور اسلامی» است. این گونه اندیشه‌ها، هم در دوران معاصر و هم در صدر اسلام دیده می‌شوند. اندیشه سیاسی و امنیتی اسلام را نخستین بار حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (ص) ارائه کرد. آن حضرت توانست با تکیه بر تعالیم اسلامی، جامعه جاهلی را، که واجد تمام شاخص‌های ناامنی بود، به جامعه اسلامی تبدیل کند، نابسامانی‌های مادی و معنوی را در مدتی کم از بین ببرد و فضایل و برکات مادی و معنوی را به ارمغان آورد. حضرت علی (علیه السلام) در توصیف این وضعیت می‌فرماید: انّ الله بعث محمداً - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - نذيراً للعالمين و اميناً على التنزيل و انتم معشر العرب على شرّ دين و فى شرّ دار، منيخون بين حجارة خُشن و حَيَاتٌ صُمّ، تشربون الكدر و تأكلون الجشب و تسفكون دماءكم و تقطعون ارحامكم، الاصنام فيكم منصوبة و الاثام بكم معصوبة (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۵).

خداوند متعالی حضرت محمد (ص) را تبلیغ‌کننده بر عالمیان و امین برای فرستادن قرآن و رسالت مبعوث کرد و در آن حال شما، گروه عرب، دارای بدترین دین بودید و در بدترین جامعه زندگی می‌کردید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای کر زندگی می‌کردید، آب‌های تیره می‌آشامیدید و غذای خشن می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کردید، بت‌ها در میان شما (برای پرستش) نصب شده (بود) و گناهان و انحراف‌ها سخت به شما بسته بود.

مفهوم امنیت و ابعاد آن

«امنیت، اساسی‌ترین نیاز بشر است و تأمین آن نخستین وظیفه حکومت‌هاست.» تصدیق





این گزاره، نیازی به تأمل و مجادله ندارد و در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی معاصر، از بدیهی‌ترین اصول شناخته می‌شود. البته بدیهی بودن یک مفهوم، ملازمه‌ای با اتفاق نظر در همه جوانب مربوط به آن ندارد و اهمیت این مفهوم با تعریف مورد اجماع از آن پیوند نخورده است» (برومند، شهزاد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۵). حتی به تعبیر «باری بوزان»^۱ باید آن را یک «مفهوم توسعه نیافته» نامید که «با تعریف ساده در ضدیت است» (همان، ص ۲۵). در پیچیدگی و ابهام مفهوم «امنیت» البته یک دلیل خارجی نیز دخالت دارد و آن تمایل صاحب‌آن‌قدرت به مبهم و قابل تفسیر ماندن این مقوله است تا بتواند جهت توجیه اعمال خلاف قاعده، مورداستفاده قرار گیرد. از این‌روست که سیاست‌گذاران از آنکه این مفهوم را مبهم و نامشخص نگه‌دارند، خوشحال هستند، چراکه در حمایت از اهداف متنوع، بهتر می‌توان بدان تمسک جست.

اینک ما تعریف متداول در فرهنگ سیاسی کنونی را قابل قبول، تلقی می‌کنیم که «فقدان تهدید»، عنصر اساسی آن است و چون آرزویی دست‌نیافتنی است، «به حداقل رساندن» تهدیدهای اجتماعی را مفهوم اصلی «امنیت» دانسته‌اند که به نسبی بودن مقوله امنیت و از سوی دیگر چند وجهی بودن آن اشاره دارد. همچنین از آنجا که گاه ثبات سیاسی اجتماعی و گاه آرامش فکری روانی مورد مخاطره قرار می‌گیرد، امنیت فرهنگی نیز به موازات امنیت اجتماعی و بلکه بیش از آن باید در نظر گرفته شود.

«فقدان یا کاهش تهدید» یعنی عامل عینی نیز آنگاه موثر است که وجود آن «احساس» شود چراکه تصور ناامنی، خود ناامن‌ترین شرایط را در پی داشته و بدین ترتیب حتی در صورت فقدان تهدید هم امنیت محقق نخواهد شد و لذا تعریف امنیت، آمیزه‌ای از وضعیت فیزیکی و حالت فکری است. برای نمونه، طبق نظر ولفرز^۲، «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید ارزشهای کسب شده را مشخص کرده و در معنای ذهنی، فقدان ترس وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند» (برومند، شهزاد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

شاخص‌های مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

اولین شاخص، جامعیت این مکتب است؛ اینجامعیت در موارد متعددی، از جمله جامعیت

1. Barry Buzan

2. Wolfers



و فراگیری نسبی نسبت به ساحات، سطوح، موضوعات و قلمروهای امنیت؛ فراگیری نسبت به همه رفتارها؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به تهدیدات و امنیت سخت و نرم؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به امنیت ایجابی و سلبی؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به نخبگان و توده مردم؛ و جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به مسئولین امنیت و تهدید خود را نشان می‌دهد (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ش. ۹).

دومین شاخص، رواج مکتب امنیتی اسلام در جوامع اسلامی و جهان و در نتیجه اثرگذاری بیشتر، به‌ویژه از منظر تبعیت از فرامین ولایت فقیه می‌باشد (سجادی، ۳۸۲، ص ۹۵).

سومین شاخص، روشمند بودن، نظام‌مند بودن، هدفمند بودن و عملیاتی و عینی و در نتیجه توجه عمده به مظاهر و شاخص‌های تهدید و امنیت، از دیگر شاخص‌های این مکتب است. یکی شاخصه‌های اصلی رویکرد سازه‌انگاری، توجه به ساختارهای فرهنگی و ارزشی، در کنار عناصر مادی است. در واقع، انتخاب سازه‌انگاری به‌منزله چارچوب نظری این تحقیق، از آن روست که مدلول این نظریه، ناظر به اهمیت دادن ساختارهای نرم‌افزاری نظام ذهنی و باورها است، و جمهوری اسلامی ایران برای نظام ارزش‌ها، باورها، دین و اعتقادات اهمیت زیادی قائل می‌شود و مؤلفه‌هایی مانند اخلاق، خدامحوری و عدالت و...، در شکل‌گیری آن مؤثر است (لک‌زاده، ۱۳۸۹: ش. ۹).

نقش قدرت نرم در امنیت ملی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

امنیت ممکن است در عرصه‌های مختلف فردی، گروهی یا جمعی و ملی در معرض تهدید قرار گیرد. منشاء تهدیدها سخت و نرم نیز ممکن است داخلی یا خارجی باشد. با آنکه میان امنیت‌های فردی و جمعی و ملی ارتباط متقابل وجود دارد، در این میان، امنیت ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا بستر لازم برای تأمین دیگر امنیت‌ها و شکوفایی حقوق و آزادی‌های اساسی را فراهم می‌آورد. مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، همواره ارزش غالب است و دولت‌ها آن را در مصاف با هیچ ارزشی فدا نمی‌کنند. زیرا در غیر این صورت، موجودیت، تمامیت و اقتدار و فلسفه وجودی آن‌ها در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۶).





اهمیت بازنگری در استراتژی مکتب امنیتی

پیروزی انقلاب در کنار پیامدهای گسترده‌ای که در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی پدید آورد از زاویه بازنگری در الگوی نظام دفاع کشور ضرورت‌های نوینی را پیش کشید. خارج شدن ایران از گستره پیوندهای امنیتی - دفاعی با بلوک و به‌ویژه آمریکا در کنار محروم سازی این ابر قدرت از طیف وسیعی از منافع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی را با ضرورت طرح جایگزینی مناسبی در سطح استراتژی دفاعی مواجه می‌گردد. راهبردی فراگیر که بیش از هر چیز بهره‌گیری از توانمندیهای بومی و درون‌زا را مدنظر داشت. در شرایط خطیر تأکید بر الگوی نقش‌آفرینی مردمی در عرصه صیانت از کیان انقلاب اسلامی به‌شدت قابل توجه است. در کنار تأکید بر اهمیت استراتژی دفاعی در سطح کلان تصمیم‌سازی امنیت ملی معنا و هویت یافت. امام خمینی(ره) به‌عنوان سکandar شئون سیاسی و امنیتی کشور با ضرورت پاسخگویی و مهار عاجل تهدیدات امنیتی خاصی مواجه بود. در این زمینه شرایط حاصل از تسخیر لانه جاسوسی که با هیجان انقلابی مردم از یک‌سو از سویی دیگر با تنش عمیق در سطح رابطه ایران با بیگانگان همراه شده بود. لذا معمولاً یکی از مفاهیم قدرت ملی را این‌گونه تعریف می‌کنند که توانایی، قابلیت و ظرفیت یک کشور، یک ملت برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود باهدف اعمال اراده معنوی و تحصیل اهداف و منافع ملی، می‌باشد. البته این قدرت ملی هم یک نقش امنیتی دارد و هم یک نقش سیاسی فرهنگی و اقتصادی دارد. طبیعی است که دولت‌ها برای توسعه قدرت ملی خودشان تلاش کنند در صحنه بین‌المللی و در صحنه منطقه‌ای به سطح بالاتری از قدرت برسند اما سؤال این است که دولت‌ها و ملت‌ها این قدرت را برای چه می‌خواهند؟ (حجازی، ۱۳۸۷، ص ۴).

اول برای تضمین بقا و حفظ حیات و استمرار بقای ملی، برای این‌که خودشان و کشورشان و نظام سیاسی‌شان را حفظ کنند.

دوم برای توسعه، رشد رفاه و آسایش کشور و ملت‌شان و قدرت را در جهت اهداف ملی‌شان به کار می‌گیرند تا بتوانند ملت‌شان را به سمت رفاه و آسایش بالاتر و پیشرفت بالاتر برسانند و هر کشور و هر ملتی خودش را با همسایه‌های خودش مقایسه می‌کند و مردم ما خودشان را با کشورهای پیرامونی مقایسه می‌کنند و معمولاً ملت‌ها همدیگر را زیر نظر می‌گیرند. مکتب جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک قدرت نرم منطقه‌ای و جهانی، از این



قاعده مستثنی نمی‌باشد. ایران در این منطقه به دنبال این است که هم امنیت ملی‌اش را و حیات و موجودیتش را حفظ بکند و هم به دنبال توسعه نفوذ سیاسی، فرهنگی و افزایش عمق دفاع استراتژیک در مناطق پیرامونی برای حفظ کشورمان و حفظ نظام اسلامی می‌باشد. عوامل قدرت ملی هر کشوری جمعیت، ترکیب ملت، سطح آموزش، رفاه، نخبگان، نهاد اجتماعی، طرح فکر مردم، علایق ملی، خصوصیات ملت مثل شجاعت، هوشمندی، وسعت سرزمین یک کشور، داشتن عمق استراتژیک، منابع طبیعی و مالاک‌های زیستی یک کشور است. ساختار حکومت‌ها، کارآمدی مدیران، مقبولیت عمومی، کیفیت رهبران سیاسی، سلامت عملکرد مدیران و مسئولان یک کشور، قانونگرایی در یک کشور، قدرت دفاعی و نظامی یک کشور و کمیت و کیفیت نیروهای دفاعی آن است که منظور از کمیت تعداد نیروها و منظور از کیفیت انگیزه نیروهای مسلح و آموزش نیروهای دفاعی است. لجستیک، داشتن دکترین استراتژی نظامی، سیستم اطلاعاتی، وجود پایگاه‌ها و شرکای استراتژیک، اقتصاد کشور، روابط خارجی دولت‌ها و ملت‌ها، تجارت بین‌المللی، روابط فرهنگی و روابط سیاسی آن‌ها از جمله عوامل قدرت ملی هستند. (واعظی، ۱۳۸۶، صص ۱۲۹-۱۲۴)

بنابراین دو اصل اساسی را می‌توان از بینش مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، نتیجه گرفت:

۱- ارزش مکتب و منزلت حافظان آن.

۲- لزوم شدت عمل در برابر آرامش‌ستیزان و برهم‌زنان امنیت بطور کلی.

- جمهوری اسلامی وظیفه دارد با تهیه امکانات لازم، نه تنها امنیت جامعه را تامین کرده و در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیر نباشد، بلکه باید با مانور و قدرت خویش، دشمنان را مایوس و هراسناک کند. «وعدالله لهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوكم و آخرین من دونهم...» (قرآن کریم، انفال: ۶۰) به اعضای جامعه اسلامی، که طبیعتاً خداجو به دنبال معنویت هستند، گوشزد شده است که: «یک شب نگرهبانی و حفظ آرامش مردم با قصد قربت از هزار شب عبادت و هزار روز روزه داری برتر است» حرس ليله فی سبیل الله عز و جل افضل من الف ليله یقام لیلها و یصام نهارها (ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۳۴)

- و «دو چشم است که آتش جهنم آن را در نمی‌یابد؛ چشمی که از خشیت پروردگار بگریزد و



چشمی که شب را برای خدا به نگهبانی از امنیت مردم بیدار بماند.» و عنه (ص): عینان لاتمسها النار؛ عین بکت من خشیه الله و عین باتت تحرس فی سبیل الله. (همان، ص ۱۳۴)

- بویژه باید از فضیلت مرزبانی یا مرابطه نام برد (قرآن کریم، سوره آل عمران: آیه ۲۰۰).

- که ارزشی برتر از دنیا و آنچه در آن است، دارد. «قال رسول الله (ص): رباط یوم فی سبیل الله خیر من الدنیا و ما علیها» (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۳۳)

- و هر نماز مرزبان را معادل با پانصد نماز می سازد، «و عنه (ص): ان الصلاه المرابط تعدل خمسماً صلاه» (همان، ص ۱۳۴)

- در خصوص محور دوم هم تأکیدات نصوص پرشمار دینی درباره جهاد، منزلت مجاهدان و اجر شهادت دیده می شود. (شیخ حر عاملی، ج ۱ صص ۱-۵۷)

- همگی جلوه هایی از اهمیت امنیت، لزوم دفع تهدیدها و بهایی است که در راه آن باید پرداخت. جالب این است که جهاد، به عنوان «تکیه گاه دین و راه خوشبختی» (ری شهری، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۲۴).

- و «دری از درهای بهشت که تنها بر روی دوستان خاص پروردگار گشوده می شود» (همان، ص ۱۲۴)

- و «بعد از اسلام، اشرف اعمال است» (همان، ص ۱۲۵).

- و از نظر دینی «واجب» شمرده می شود، از دیدگاه فقهی شامل دفاع در برابر تهدیدهای خارجی و داخلی، هر دو، است. شیوه مرسوم در کتاب های قدیم و جدید آن است که مقابله با بغی و محاربه نیز در «کتاب الجهاد» مورد بحث و بررسی قرار گرفته و می گیرد و این نشان از هم سنگی و فضیلت آن دو است (شهید ثانی، ج ۱، ص ۲۱۶). معمولاً قدرت ملی را در دو حوزه داخلی و خارجی تعریف می کنند.

۱- حوزه داخلی، از قدرت ملی برای قانونگذاری اجرای عدالت اجتماعی و تنظیم روابط اجتماعی و تأمین امنیت عمومی از طریق سازمان ها و نهادهای رسمی کشور نظیر نهادهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی، امنیتی و انتظامی و اطلاع رسانی استفاده می شود.

۲- حوزه خارجی از قدرت ملی برای حفاظت از منافع ملی، تأمین نیازهای ملی، تأمین امنیت ملی و رفع تهدیدات فرامرزی و تقویت اعتبار و پرستیژ ملی در بعد خارجی

استفاده می‌کنند.

مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران یک مکتب امنیتی و ایدئولوژیک فراملی می‌باشد و در خارج از مرزهای سیاسی قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بسیاری دارد. ما هم یک کشور اسلامی هستیم و هم از یک سابقه بزرگ تاریخی برخورداریم، یکی از ۵ تمدن بزرگ جهان که مدنیت جهان را شکل داده است، ایرانی می‌باشد. از نظر فرهنگی ملت ما از یک اخلاق، فرهنگ و شخصیت ملی برخوردار است. ملت ما یک ملت شجاع با اخلاق و با آرمان انسانی و با یک روحیه و مقاومت ملی می‌باشد. ماهیت سیاسی حکومت ما کارآمدی مدیران ما و رهبری سیاسی ایران و رهبری انقلاب اسلامی ایران مثل امام بزرگوارمان و مقام معظم رهبری‌مان، از منابع قدرت ملی ایران می‌باشد. ما کشوری هستیم که از یک وزن ژئوپلیتیکی برتر نسبت به کشورهای همسایه‌مان برخورداریم؛ ایران غیر از افغانستان و عراق می‌باشد. ایران منطقه واسطه‌ای میان آسیا، آفریقا و اروپاست و تأثیرگذار در مسائل خاورمیانه، قفقاز و آسیای میانه می‌باشد. در تعاملات و تبادلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی منطقه ایران وزنه تعیین‌کننده است. وزن ایران و کفه ایران تضمین‌کننده امنیت اقتصاد و روابط منطقه است و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای، ایران تأثیرگذار اصلی است. (روشن دل، ۱۳۸۷: ۸۱).

در حوزه داخلی درزمینه تولید امنیت نرم با اتکاء به قدرت نرم، ابعاد غیرمادی امنیت مدنظر است به‌طور کلی شاخص‌های غیرمادی قدرت ملی عبارتند از:

۱. میراث فرهنگی: تاریخ نشان می‌دهد که توانایی نظامی و قدرت مکتب امنیتی با میراث فرهنگی آن‌ها ارتباط نزدیک داشته است.

۲. وحدت ملی: از ارکان مهم فرهنگی قدرت سیاسی، وحدت ملی است. وحدت ملی عبارت است از چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور. هنگامی که وضعی اضطراری همچون براندازی و ایجاد توطئه برای کشور پیش می‌آید. در این مواقع، اگر پایه‌های وحدت ملی محکم باشد، مردم اختلافات جزئی داخلی را کنار می‌گذارند و صفوف را پر می‌کنند. این روحیه باعث می‌شود، هنگامی که زمامداران وضع دشوار کشور را در برابر خطر خارجی برای مردم تشریح می‌کنند و خواستار تحکیم وحدت می‌شوند، مردم به ندای آنان پاسخ مثبت دهند (همان، ۱۳۸۷: ۸۱).





اما باید مسؤولین امر متوجه باشند، لازمه‌ی کارآمدی این ظرفیت و تداوم آن در مقابل چالش‌های آینده، در تلاش برای پیراستن و در امان نگهداشتن نظام و انقلاب اسلامی از هرگونه پیرایه‌ای است که شائبه‌ی انحراف دارد. برای تداوم مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران مردم از کشور و نظام و پایداری در مقابل دشمن، می‌بایست مردم همچنان به اصالت جمهوری اسلامی ایمان داشته باشند و اینجاست که باید جلوه‌های انحراف، همانند اصل شدن کسب قدرت، تجمل‌گرایی، خرافه‌گرایی، شخص محوری، سازش‌پذیری، مرعوب شدن در مقابل دشمن و بی‌عدالتی و ... از چهره‌ی نظام و مقام‌های آن زوده شود (روشن‌دل، ۱۳۹۰: ۸۴).

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی بر آن شد که، چیستی وجود، چگونگی ظهور، اهداف، ویژگی‌ها و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم را مورد بررسی قرار دهیم. اشاره شد که قدرت و جنگ نرم، مجموعه تغییر و تحولاتی است که هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مقبول نظام سیاسی را دگرگون سازد. در هنگام ظهور انقلاب اسلامی ایران که با برچیدن استبداد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و سلطه فراگیر و مکتب امنیتی امریکا در ایران آغاز شد، به همراه خود، انقلابی عظیم را رقم زد، که به تعبیر امام خمینی (ره)؛ انقلابی درونی و معنوی بود. این انقلاب - باوجود تلاش‌های مصرانه حکومت پهلوی برای به حاشیه راندن دین از متن زندگی مردم - نه تنها به انزوای دین دامن نزد، بلکه در کنار احیای هویت دینی و بیداری ملت‌ها، فرهنگ سیاسی اسلامی را که برگرفته از اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ متعالی شیعه است و مرکب از سه عنصر تفکیک ناپذیر: الف- مردم‌سالاری دینی ب- فرهنگ ایثار، شهادت و عدالت ج- اصول استقلال و آزادی، است را در ایران حاکم نمود، همان فرهنگی که حاکمیت کشورهای مستبد و جهان سوم را به چالش کشانید و از دیگر شگفتی‌های این انقلاب به چالش کشیدن ابعاد وجودی قدرت سخت، نیمه سخت و نرم دشمن و مقابله با استکبار جهانی به‌وسیله قدرت نرم سازنده و برپایه ارشاد، معنویت و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. جوشش قدرت نرم در ایران باگذشت سه دهه از انقلاب اسلامی ادامه دارد، درواقع





به وسیله چنین قدرت نرمی است که انقلاب اسلامی توانسته با مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و قدرت ملی در ایران، منطقه و جهان، مشکلات را پشت سر بنهد. در نتیجه، به طور قطع افزایش شناخت و آگاهی محافل و مراکز راهبردی و نخبگان کشور منجر به افزایش وحدت، هم افزایی قدرت نرم و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ نرم خواهد شد، در ضمن از مقوله قدرت نرم می توان برای پویایی جامعه، تأمین اهداف و منافع ملی، مدیریت امنیت ملی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران و در خصوص تهدیدات نرم علیه کشور استفاده نمود. شکل گیری هسته ها و منابع قدرت نرم در مکتب جمهوری اسلامی ایران به طور کامل با روح قدرت نرمی که ژوزف نای با تأکید بر اقناع و اغواء مطرح کرده متفاوت است، چراکه ماهیت و روح و خاستگاه مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام ناب محمدی (ص) می باشد. لذا آن ها با یکدیگر کاملاً متفاوت می باشند.





منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای (۱۳۷۶) انتشارات لقاء، قم.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹)؛ ایران روح یک جهان بی‌روح؛ (ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده)؛ تهران: نشر نی.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- معدل، منصور (۱۳۷۷)، طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران، ترجمه محمد سالار کسرائی، تهران، انتشارات باز.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
- فورن، جان (۱۳۸۴)، نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۸)؛ مقدمه‌ای بر روش‌شناسی انقلاب‌های رنگی؛ فصلنامه عملیات روانی، سال ششم، ش ۲۲.
- ماه پیشانیان مهسا (۱۳۸۷) راهکارهای امریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، «مکتب امنیتی امام خمینی (ره) (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)»، چاپ اول، انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران
- امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸) شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- لک زایی، نجف، (۱۳۸۹)، فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی
- دشتی، محمد (۱۳۸۳)، «ترجمه نهج‌البلاغه»، انتشارات لاهیجی، قم.
- شیروانی، علی (۱۳۹۱)، ترجمه نهج‌البلاغه، دفتر نشر معارف، قم.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)؛ ایران بین دو انقلاب؛ (ترجمه: احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی)؛ تهران: نشر نی.
- صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۳۸.
- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۵.
- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۶.
- صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۳۹.
- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱.
- زرشناس، شهریار (۱۳۷۸)، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، چ دوم، تهران، سازمان انتشارات کیهان
- صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۸.
- صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۸۹.
- رجبی، محمدحسن (۱۳۷۸)؛ زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)؛ تهران: مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی.
- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۰.





- محمدی، یدالله، (دی ۱۳۷۹) انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی: تقابل و رویارویی دو چهره قدرت (نرم افزاری و سخت افزاری) مصباح، ش ۳۶، ص ۹۷
- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۱.
- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۹۳.
- هالیدی، فرد (۱۳۶۴)؛ تکوین دومین جنگ سرد؛ (ترجمه: هرمز همایون پور)؛ تهران: انتشارات آگاه.
- مالرو، آندره (۱۳۶۵)؛ ضد خاطرات؛ (ترجمه: ابوالحسن نجفی و رضا سیدحسینی)؛ تهران: انتشارات خوارزمی.
- حاجتی، احمد رضا (۱۳۸۱)؛ عصر امام خمینی (ره)؛ قم: بوستان کتاب.
- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۳.
- دهشیری، محمدرضا، «گفت و گو» (۱۳۸۲)، اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ش ۱۷.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
- سلطانی، قاسم، نقش فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رساله ارتقاء مقام به دبیر سومی، وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۷۶
- گلشن پژو، محمدرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید علم
- سیمر، رضا، و دیگران (۱۳۸۹)، اسلام گرایی در نظام بین الملل، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی
- مینایی، مهدی، (انقلاب اسلامی و جایگاه ژئواکونومیک) (تابستان ۱۳۸۸)، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۷ و ۸، ص ۲۴۲-۲۴۴
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳)، روحیه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان، تهران، مؤسسه مطالعات ملی
- لک زایی، نجف، (۱۳۸۹)، کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵
- برومند، شهزاد و همکاران؛ (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲)، شیوه های تعمیق بینش سیاسی، قم، بوستان کتاب
- نوروزی، محمدجواد و همکاران، (۱۳۹۱)، طرح ضیافت اندیشه: دست در دست صبح (انقلاب اسلامی)، ناشر: دفتر نشر معارف
- حجازی، سید حسین (۱۳۸۷)، ظرفیت های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم امریکا گزارش جمهور، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، فصلنامه تخصصی نامه دولت



اسلامی، شماره ۲۶-۲۷ فروردین

- واعظی محمود، (۱۳۸۵)، «ترتیبات امنیتی خلیج فارس»، فصلنامه راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۰، تابستان.
- ری شهری، محمد محمدی، (۱۳۸۱)، «میزان الحکمه، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲
- عاملی، شیخ حر وسائل الشیعه، ج ۱۱
- ری شهری، محمد محمدی، (۱۳۹۲)، «میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، ج ۲
- شهید ثانی، شرح لمعه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج ۱
- روشندل جلیل (۱۳۸۷)، «امنیت ملی و نظام بین المللی»، چاپ پنجم، تهران انتشارات سمت.
- روشندل جلیل (۱۳۹۰)، «امنیت ملی و نظام بین المللی»، چاپ هفتم، تهران انتشارات سمت.
- نای، ژوزف (۱۳۸۷)؛ قدرت نرم؛ (ترجمه: سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری)؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

سخنرانی‌ها

- مقام معظم رهبری، ۷ آذر ۱۳۶۸
- دفتر نشر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹
- بیانات در دیدار با مسئولین و کارگزاران نظام؛ ۲۳ مهر ۱۳۸۰
- بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۸۰/۱۱/۱۷
- بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران؛ ۲۳ آبان ۱۳۸۲

منابع انگلیسی

- Joseph S.Nye, Soft Power: the Means to Success in World Poliics, New York: Public Affairs, 2004.
- Haynes Jeffrey Religious soft power and international relations london metropolitan.
- Goldstone, Jack; The Encyclopedia of Political Revolutions; Washington: Congressional Quarterly Inc, 1998
- <http://www.leader.ir>.
- <http://net.educause.edu/ir/library/pdf/FFP0502S.pdf> :2
- http://www.wikipedia.org/wiki/Hardpower.Soft_power35
- <http://mohajerinnewz.mihanblog.com/post/51>
- <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/130/6200/65831>